

تذکرہ زبدۃ الاولیاء
شیربانی حضرت میاں شیر محمد شر قپوی نقشبندی مجددی
قدس سرہ العزیز

۳۶۴/۲

۳۶۱/۲

تألیف: محمد نذیر رانجھا

تذکرہ

زبدۃ الاکولجیا،

شیرریانی حضرت میان شیر محمد شرقپوری
نقشبندی مجددی قدس سرہ العزیز

تألیف

محمد نذیر رانجھا

از انتشارات

شعبہ نشر و اشاعت بار المبلغین حضرت میان صاحب
شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

۸۶۶۵۱

۶۰۰۰

حق چاپ و عکس برداری ازین نسخه محفوظ است

نام کتاب:-

تذکرہ زبدۃ الاولیاء قدس سرہ العزیز

تألیف:-

محمد نذیر رانجھا

طبع اول:-

۱۹۹۵ء

تمدّد:-

۱۱۰۰ نسخہ

چاپ حکمتیہ

از زید - پیک جز - لاہور

1- مکتبہ نور اسلام شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

2- جامع مسجد شیربانی - اکبر روڈ مدینہ چوک

وسن پورہ لاہور

3- دفتر مابنامہ نور اسلام جامع مسجد قادریہ

شیربانی 21- ایکٹر سکیم سمن آباد لاہور

فهرست

صفحه

346/2

- پیش گفتار از صاحب زانه میان جمیل احمد شرقپوری ۵
این ساعت بزور بازونیست از محمد ننیر رانجها ۹

باب اول

- براحوال خانوائی حضرت میان صاحب
احوال حضرت صالح محمد صاحب
احوال حافظ محمد عمر صاحب
احوال مولوی غلام رسول صاحب
احوال میان محمد حسین صاحب
احوال میان عزیز الدین صاحب

باب بوم

15	بر ولایت با ساعت حضرت میان صاحب	فصل اول
18	بر کوکی حضرت میان شیر ربانی قنس سره	فصل دوم
20	بر آموزش و پرورش حضرت میان صاحب	فصل سوم
21	بر عالم شباب حضرت میان صاحب	فصل چهارم
25	بر بیعت مرشد تاعطائی خلافت	فصل پنجم
۲۷	در مسافرت ہائی روحانی	فصل ششم

باب سوم

۳۳	بر اتباع سنت	فصل اول
۳۵	بر ارشاد و تبلیغ بین	فصل دوم

باب چهارم

کشف و کرامات

45

باب پنجم

سفر ناربقا و جانشین

49

باب ششم

در تعمیر مساجد

فصل اول

در نشر و اشاعت بین و

فصل دوم

56

معارف اسلام بصورت کتب

باب هفتم

ایيات بلگناز که حضرت شیر ربانی

63

قدس سره من خواند

۶۷

باب هشتم

ملفوظات گرامی

باب نهم

واریات قلبی

باب بیم

خلفائی عظام

ماخذ

بسم الله الرحمن الرحيم

346/2

پیش گفتار

وقتیکه خداوند سبحانه و تعالی آدمی را از جنت بیرون کرد و درین
عالم فرستاد او از روی فضل عظیم خود یک ضابطه حیات بهم آدمی را اعطا
فرمود تا زندگانی خود را تامین کند و یک قرینه برای زیست خود را دارد
سازد که برایه کامرانی و کاریابی زیستش ضامن باشد چنانکه ارشاد باری

یست

قلنا اهبطوا منها جمیعا فاما یا تینکم منی هدی فمن تبع هد

ای فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون

سر طبق این ارشاد باری طائفه‌ی مقدس انبیاء علیهم الصلوٰة والسلام یکی
بعد دیگر مبعوث شدند تا بیان را به بندگان او رسانند این سلسله
انبیاء دراز کشید تا آنکه حبیب کبریا خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآلہ
وسلم تشریف آوردند آن والا جناب صلی الله علیه وسلم نبی آخرالزمان
بیستند و دین اسلام را تکمیل دینه و خاتم بیستند لذا بعد آن والا جناب صلی
الله علیه وآلہ وسلم فریضه دعوت و تبلیغ بعهده اولیای کرام تفویض شد و
این نموس پاک از فریضه این منصب را نیک برآ وردند برای این طائفه در
قرآن پاک ارشاد خداوند یست

الا ان اولیاء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون

این جا این نکته مهمی جالب توجه می باشد که اولیائی کرام را این
نظمت و مرتبت بچه وسیله وصول شد این نکته را قرآن حکیم واضح
فرموده است

قَلْ أَنْ كُنْتُمْ تَعْبُونَ اللَّهَ فَا تَبْمُونِي يَعْبِبُكُمُ اللَّهُ

مد وح ما حضرت میان شیر محمد شرقپوری این نکته مهمی را نیک فهمید و اتباع سنت را پیکر بود اونه نتها خردش اتابع سنت مطهره را لازم گرفت دیگران را بهم باین مراد تلقین فرمود این تلقین گایی بطريق جلال بود و گایی بطريق جمال - ولی تمای دلی او بود که بهم مسلمانان به صمیم قلب پیروی سنت پیغمبر صلی الله علیه وآلہ وسلم را بعده خود گیرند خد اوند متعال انبیاء را معجزات عطا فرمود که تقاضای عصر را بسند ه آمدند یمچنان اولیارا کرامات عطا فرمود که حسب تقاضای زمان این بزرگان عالی مقام بود حضرت مدد وح شیر ربانی دریک عصر فلسفیانه وی مذهب و عقل پرست بد نیا آمد این را یک ولی کامل لازم بود که زنجیر فلسفه واستدلال بشکند و اهل جهان را بچشم سرخود شان جهانی تماشا نماید که ورای منطق و استدلال باشد بعد نظاره این جهان بیچ تردد در بیچ قلب نهاند در بستی باری تعالی و مرتبه والا صاحب لولاک و واقعات روحانی مثل معراج و غیر آن -

خد اوند متعال بفضل خاص خود حضرت مدد وح شیر ربانی میان شیر محمد شرقپوری را برای مرتبه والا گزید که جان ولایت باشد اوصاف یگانه اخلاق کریمانه کمالات واپیانه بهم یکجا شده بودند کشف و کرامت و تصرف و القاباین مرتبه بود که بیننده را داده باز نهاند و مردمان ارادت را بان درجه ایمان می رسانند که قرما این را والا بودند عصر جدید که عصر فلسفه و تکنولوژی بست و هر کس که از روشنی جدید کور شده پیش آن مدد وح آمد دریک لحظه بهم حجابات از پیش او کافور شدند و از بهم ذمائم نفسانی پاک شده مشتاق گشت برای نور اسلام -

درین عصر که عصر سائنس و تکنولوژی بست سوانح مبارک اولیای حق یک مناره ای نور میباشند این امر لازم را احساس کرده شد که تزاد نو رابه زندگانی حضرت مدد وح معرفی شود تا اذیان منطقی

و فلسفی جدید کمی اصلاح یا بند، از روح اسلام آشنا شوند و مقام و مرتبه‌ی
شارع اسلام صلی اللہ علیه وآلہ وسلم را بینا سند و دین مستقیم اسلام را ریببر
و رینمای خود ساخته در دین و دنیا کامرانی می‌جویند. برای این مقصود
مجلدات متعددی بزبان اردو و پنجابی نوشته شده و انتشار یافته‌ند مثل خزینه
معرفت انقلاب الحقيقة تذکره اولیای نقشبند المعرف شیر ربانی آفتاب
ولایت ذکر معجوب خطبات شیر ربانی و منبع انوار و غیر آن-

بنده را یک آرزوئی دیرینه بود که بزبان انگلیسی، فارسی و عربی بهم
چند کتب طبع شوند که فیوض و برکات این ولی کامل، جامع صفات،
قطب الاقطاب و درویش عصر را بخوانند. گان این زبانهائی خارجی معرفی شود
و آنان بهم از فیوض و برکات حضرت مستفیض شوند. لله الحمد که آقای
محمد نذیر رانجها این کتاب را بزبان فارسی نوشته تمدنی مرا عملی ساخته‌
بد رگاه کار ساز دعا گوییم که از فضل عمیم خود مصنف را به نعمت ہائی
دنیا و آخرت و قلم اورا سعادت ہائی فراواں بخشد که برای اولیای دیگر بهم
چنین خدمت انجام دهد. آمين بجاه سید المرسلین-

صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری

اين سعادت بزور بازو نیست

نخستین کار علمی که در دست این فقیر آمد تصحیح "رساله ابدالیه" تصنیف لطیف سلطان المشانخ حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس سرہ بود که از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان - اسلام آباد چاپ و نشر گردید. پس این بهانه‌ای بود برای مسافرت علمی و ادبی این ناچیز و فیض و برکت روحانی حضرت مولانا یعقوب چرخی که یکی از عارفان بزرگ و نامی سلسله عالیه نقشبندیه می‌باشد بعد ازین رحمت و فضل باری تعالیٰ بطوری یارو مددگار این ناچیز شد که ترجمه اردوی "رساله ابدالیه" و "رساله انسیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "رساله حورائیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "شرح اسماء الحسنی" (متن فارسی مع ترجمه اردو) هم از تصنیفات حضرت مولانا یعقوب چرخی^۱ را این فقیر چاپ و نشر کرد، سپس "نسانم گلشن" (فارسی) از شاه داعی الى الله شیرازی و تصحیح و تعلیق نمودم و بعدها "کتاب "لمحات من نفحات القدس" (فارسی) از شیخ محمد عالم صدیقی علوی بکوشش و مقدمه این فقیر از جانب همون مرکز تحقیقات طبع گردید و "فهرست نسخه‌های خطی قرآن مجید در کتابخانه گنج بخش- مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان"^۲ که حقیر تالیف نموده است، در سال (۱۹۹۳م) از همو مرکز تحقیقات چاپ شده است.

بمراه این کارهای تحقیقی و علمی مقالات متعدد و گونا گون بزبان فارسی و اردو به مجله‌های مؤقر و معروف علمی و ادبی پاکستان و ایران نیز می‌نگاشته‌ام که مورد پسند اهل علم و دانش هردو کشور شده‌اند. علاوه ازین تالیف و ترجمه چند کتاب دیگر نیز کرده‌ام که از آنها: (۱) "جلید فارسی گرامر" (اردو) یعنی "دستور نوین زبان فارسی" و (۲) ترجمه اردوی کتاب: "بعرالحقیقه" از خواجه احمد غزالی قدس سرہ و ...

(۳) "کنزالعلم والعمل" (ترجمہ اردوی ۱۹۶۱ - حدیث نبوی) کے ہر سہ از سوی عتیق پبلشنگ ہاؤس، لاپور طبع گردیدہ اند ○ کتابی دیگر بنام: "قدیم عدالتی زبان اردو" (بزبان اردو) تالیف نمودہ ام کے مغربی پاکستان اردو اکادمی لاہور آنرا چاپ کرده است ○

قریب بیست سال میشود کہ بنده از محبت و شفقت علمی و روحانی حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری صاحب مدظلہ العالی بھرہ مند می شوم و این سعادت ہرگز بزور بازو نصیبم نگئشته است بلکہ بخشش و عطا بیکران خداوند متعال می باشد۔ دو سال قبل حضرت صاحبزادہ صاحب مدظلہ العالی بھ این حقیر فرمان داد کہ تذکرہ شیر ربانی قدس سرہ بزبان فارسی مرتب سازد۔ فرمان ایشان موجب صد افتخار و سعادت سرمدی گردید برای این ناچیز، لذا "تذکرہ احوال و مقامات زبدۃ الاولیاء شیر ربانی" حضرت میاں شیر محمد نقشبندی مجددی شرقپوری قدس سرہ تالیف نمودہ ام کے اکنون در خدمت اقدس آن محترم و بزرگوار و عالی مرتبہ مدظلہ العالی تقديم میشود بھ این التماں کے دعا فرمائید کہ این "تذکرہ" ذریعہ سعادت دو جهان این حقیر گردد و خداوند بزرگ و برتر این گناہگار را بکرم عمیم خود بھ بخشد و در محشر زیرپای اولیاء عظام سلسلہ عالیہ نقشبندیہ جا نصیب فرماید۔

خاکپای اولیاء کرام

احقر محمد نذیر رانجها غفر فنوبہ و ستر عیوبہ

(۱) ذی الحجه (۱۴۲۲ھ) بمعطابق (۲۲ بہ ۱۹۹۳م)

مکان نمبر ۱۳۱۔ غازی آباد کمال آباد

راولپنڈی۔ صدر

باب اول

دراحوال خانوادگی حضرت میاں صاحب

حضرت نیک بی بی بمسر میاں شهاب الدین صاحب روایت می کند که از اجداد ماسه نفر از "دیپالپور" به "قصور" آمدند.^(۱) یکی از ایشان ازدواج نموده بودو دو تن هنوز ازدواج نکرده بودند در "قصور" بالای "قلعه نواح کوت" قیام نمودند. دانشمندان و عالمان بودند و خوشنویسی قرآن کریم می نمودند و شاید همین ذریعه معاش داشتند. از رسم و خانواده ایشان آگاهی نیست. گویا بسبب قحط از "دیپال پور" مراجعت نموده اینجا (قصور) وارد شده بودند. صاحبی که از ایشان اهل دار بود، پس به "دیپال پور" رفت و بقیه دونفر در "کوت پیران" "قصور" مقیم گشتند. ازا این دونفر صاحبی که در "کوت پیران" اقامت گزین شد، نمی دانیم که از ایشان جانشینی باقی ماند یا نه؟ ولی صاحبی که در "کوت پکه قصور" مقیم شده بود، بزرگی به اسم حضرت صالح محمد صاحب رحمته اللہ علیہ شهرت یافته که درسے واسطه به شجره خانوادگی ایشان می رسلد.

احوال حضرت صالح محمد صاحب

حضرت صالح محمد صاحب رحمته اللہ علیہ خوشنویسی قرآن مجید می نمود. حضرت میاں صاحب رحمته اللہ علیہ می فرمود که اگر کسی از اجداد مامی پر سید که نام خانواده شما چیست؟ می فرمود: "ما خوشنویسیم!" میاں نورالحسن صاحب قصوری می گوید که از پدر بزرگوار خودش نیله بودم، و پدر بزرگوارم از جد امجد خود میاں امام الدین صاحب روایت نموده که نوابی از آن روزگار کسی را پیش حضرت میاں صالح محمد رحمته اللہ

علیه فرستاد که ما گاوی را پرورده ایم و او بچه ای زائیده است.
 اکنون نمی گذارد که بچه اش شیر او بخورد و یا ما شیرش را بگیریم
 حضرت میان صالح محمد صاحب رحمته الله علیه فرمود:
 "گاو را بگوئید که شما اورا پرورده اید و خدمتی او نیز نموده اید'
 لذاب گذارد که شما شیرش بگیرید". - چون گاو را این فرمان دادند، شیر
 گرفتن گذاشت و مطیع گردید.

حوال حافظ محمد عمر صاحب

حضرت محمد عمر صاحب رحمته الله علیه جد بزرگوار حضرت میان
 صاحب بود علاوه از خوشنویسی در طب و پزشکی مهارت خاصه داشت
 مردمی نهایت نیک بخت و صالح بود.

حوال مولوی غلام رسول صاحب

مولوی غلام رسول صاحب بزرگی عالی مرتبت در "قصور" می بود. خانه
 ایشان در "مکان کوت حاجی رانجهه خان" متصل "مسجد حاجی رانجهه
 خان صاحب" می بود صاحب "خزینه معرفت". صوفی محمد ابراهیم قصوری
 این خانه را زیارت کرده بود و می گوید که در این خانه، زیرخانه ای بود که
 در آن مولوی غلام رسول صاحب رحمته الله علیه چله کشی و مجاهده می
 فرمود. چون قحطی در قصور پدید آمد، به "حجره شاه مقیم" رفت و آنجا
 مقبولیت عامه نصیب ایشان گردید. چون "ویدیان" حمله بر "حجره شاه
 مقیم" نمودند و فتح یاب گردیدند، دو سیدزاده و مولوی غلام رسول صاحب

رحمته اللہ علیہ را دستگیر کردن، هر سه نفر را محکوم به اعدام نمودند.
سید زادگان گفتند: این نفر (مولوی غلام رسول) مولاناست و قصوری ندارد.
چون "ویدیان" این حرفها شنیدند، مولوی غلام رسول صاحب را رها نمودند.
پس از این مولوی غلام رسول صاحب رحمته اللہ علیہ از "حجره شاه مقیم" به
"شرقپور" مراجعت نمود و اینجا نیز مقبولیت عامه نصیب ایشان گردید.

احوال میاں محمد حسین صاحب

جلیل رکوار حضرت میاں صاحب رحمته اللہ علیہ است و احوال ایشان
پیدا نیست.

احوال میاں عزیز الدین صاحب

پدر بزرگوار حضرت میاں صاحب، میاں عزیز الدین صاحب بود، در شکر
و صورت کاملاً مشابهت به حضرت میاں صاحب داشت. مردی نیک بخت
و پارسا و متشرع بود و در سلسله عالیه قادریه بیعت داشت و ذکر و شفر
در طریق قادریه می نمود در رهتک (مند) مستخدم بود و همین جا راهی
ملک عدم گشت.

فصل اول: درودت با سعادت

حضرت میاں شیر ربانی قدس سرہ

خوشخبری: روایتی است که سنه ای قبل بزرگی از کابن آمده جد بزرگوار حضرت میاں شیر ربانی قدس سرہ العزیز را خوشخبری و مژده ولادت با سعادت و تولد حضرت ممدوح داده بود و اسم مبارک حضرت صاحب نیز تجویز فرموده بود، چون حضرت مولانا غلام رسول قصبه شرقپور رامسکن خود ساخت، مثل خواجه ابوالحسن خرقانی رحمته اللہ علیہ که قبل از تولد و ولادت سلطان العارفین خواجه بایزید بسطامی رحمته اللہ علیہ چون در خرقان تشریف می برد، دم های طولانی می کشید و می فرمود: "بُویْ آمد دوست می آید" همینطور حضرت بابا امیرالدین قبل از ولادت حضرت میاں صاحب چون در شرقپور تشریف می آورد، می فرمود: "خداوند مارا با کشف گفتہ است که درین بلاد پاک یک شیر خدا پیدا خواهد شد" چنانچه حضرت بابا امیرالدین رحمته اللہ علیہ در هر سال در شرقپور شریف تشریف می آورد و رونق دیار محبوب رامی افزود.

بشرات دیگر: می گویند مجذوبی نیز سالهای قبل از ولادت حضرت میاں شیر ربانی در اطراف واکناف شرقپور شریف طواف می کرد و چون مردم از او وجه و سبب این طواف می پرسیدند او می گفت: "درین کوچه مردمی از مقبولان درگاه پروردگار اعلیٰ پیدا خواهد شد من از بوی مست کننده او روح را مسرور و دل و دماغم را معطر می سازم".

روایت دیگر: "میاں عبدالرشید صاحب" مقیم "چونیان" روایت می کند که "میاں غلام محمد" گفت که "حضرت خواجه امیرالدین رحمته

الله عليه" بذریعه کشف آگاه شد و فرمود که در "شرقپور" شیر خدایی پیدا خواهد شد سپس از این کشف "حضرت خواجه صاحب موصوف" می فرمود که ما از بیست سال به "شرقپور" می رویم و در این جستجو می باشیم که آن طائر لاموتی را به دام خود بیاوریم و نسبت نقشبندیه باوبرسانیم قند مکرر: "کرم شاه صاحب" مقیم "بهوین کلان" منطقه حافظ آباد به صوفی محمد ابراهیم صاحب نامه ای نوشته و دران گفت که هشت سال قبل ما در "شرقپور" رفته کسی سالخورده را بیرون شرقپور دیدیم از او پرسیلیم که این احوال (مرتبت) حضرت میان صاحب از کی می باشد؟ در پاسخ گفت: قبل از ولادت ایشان! پرسیلیم چطور؟ گفت: درویشی (عارفی) اینجا آمد و بود و اکثر و بیشتر در کوچه پدر بزرگوار حضرت میان صاحب می گشت او دم طولانی می کشید، گویا که بوی خوش می شنید، از او پرسید نکه چرا اینطور می کنید؟ گفت که در این کوچه روحی می آید که او بنده مقبول درگاه خداوند کریم می باشد، از این درویش پرسیلیم که در کلام خانه تولد خواهد شد، گفت در خانه میان عزیزالدین صاحب.

روزی حضرت میان شیر محمد صاحب المعروف شیر ربانی به مؤلف خزینه معرفت (صوفی محمد ابراهیم قصوی) فرمود که — "چون در ایام طفیلی بودم، جد بزرگوارم حضرت مولانا غلام رسول صاحب زبان خود را در دهانم داده بود" — بقول صوفی محمد ابراهیم قصوی، جد بزرگوار حضرت میان صاحب بزرگی با برکت بود و ممین طور حضرت شاه کمال کیته‌لی رحمته الله علیه زبان مبارک خود را در دهان حضرت مجدد الف ثانی قدس سره العزیز نهاده بود و ایشان آنرا مکیله بود و نسبت قادری به ایشان عطا فرموده بود

صاحب خزینه معرفت می نگارد: — چون نخستین یا دومین بار به شرقپور رفته بودم، این خبری عام بود و بسیار کسان سالخورده می گفتند که

حضرت میان صاحب ولی مادرزاد استد از ایشان نام دو تن یادم هست' یکی:
میان امام الدین مونگا' خدای تعالیٰ امرزش کند' و دومی: حکیم امام الدین
صاحب' خدا رحمتش کند دیگر نیز از بزرگان بتواتر شنیدیم و این خبر
مصلق می باشد که حضرت میان صاحب ولی مادرزاد بود

بالآخر در سال ۱۲۸۲هـ آن گل نوشگفته ورشک بهاران و قرار مضطرب و
شکسته دلان به حکم خداوند قدوس درخانه حضرت میان عزیز الدین پیدا
شد پدر بزرگوار حضرت میان صاحب مردی باصفا و نیک و پارسا بود و
مردم این ناحیه به او خیلی احترام می گذاشتند.

چون تولد یافت حضرت مولانا غلام رسول که دران وقت زنده بود' حضرت
میان صاحب را در آغوش گرفت و محبت کرد و زبان مبارک خود در دهان
حضرت میان صاحب داد و حضرت میان صاحب آنرا مکید حضرت مولانا غلام
رسول حضرت میان صاحب را بایسینه می گرفت و باربار می بوسید بفرمان
بزرگان خانواده و مطابق بشارت قبلی اسم مبارک حضرت میان شیر ربانی را
"شیر محمد" گذاشتند.

فصل دوم: در کودک

حضرت میان شیرربانی قدس سرہ

حضرت میان شیرربانی رحمته اللہ علیہ ولی مادرزاد بود و در کودکی از بازی کردن بیزار بود و خلوت را دوست می داشت و شیدا و شیفته اسم گرامی "الله" بود و این اسم رب العالمین را از هر چیز جهان زیاد تر می پستنید و عزیز تر می داشت.

حرفهای عارفه در کودکی: روایتی است که در پنج شش سالگی در قبرستان می رفت. چون والده ماجده می پرسید که کجا رفته بودی؟ حضرت صاحب می فرمود که برای ملاقات و زیارت بزرگان رفته بودم!

حالت مستانه: گاه بگاه در جوش عشق الہی اینطور دیوانه می شد که انگاره هارا در دهان خود می گذاشت و این هارا می خورد و گاه دیگرچه جوشیده را با دهان می گرفته و فرموده که این چیزها نیز خداوند هستند.

ذوق ذکر الہی: می گویند که چون در مسجد تشریف می برد در گوشه ای نشسته "الله" "الله" می کرد چون در خطاطی معو می گشت' اسم اعظم "الله" و اسم مبارک "محمد" را قلمبند می فرمود و با دوستان نشسته و یکزان شده در ذکر الہی مشغول می شد.

روش عارفانه در کودکی: بگفته صاحب خزینه معرفت: حال ایشان در طفلكی مثل حضرت جنید بغدادی قدس سرہ بود، که نه همراه طفلان بازی می نمود و نه همراه ایشان نشست و برخاست می داشت، بلکه خلوت را می پستنید، چون در مکتب رفت، مزاج ایشان به کودکان مناسب نمی گرفت، درسی چهار سال قرآن مجید و بیکر کتب مروجہ مکتب را خواند و

در نگاشتن نیز مهارت حاصل نمود

قند مکرر: حکیم علی محمد صاحب، مقیم "بلوکی" از پدر بزرگوار خود: حکیم پیر بخش روایت می کند که: جد بزرگوار حضرت میان صاحب رحمته اللہ علیہ، مولانا غلام رسول صاحب، هرجزوی که از قرآن مجید برای خواندن به حضرت میان صاحب می داد، بکثرت اشک، ورق آن در چندروز پوسیده می گشت و چون جد بزرگوار ایشان راجع به این می پرسید، علاوه از سکوت و گریه جوابی نمی داد.

حیا: میان امام الدین صاحب زرگر مقیم "شرقپور" می گوید که "حضرت میان صاحب" در هنگام کودکی چون از کوچه می گذشت، روی سر و صورت خود نقاب می داشت و زن های کوچه می گفتند که: — "در کوچه ما دختری متولد شده که ببرو نقاب گرفته، راه می رود".

و جد در ذکر الہی: روایتی است که در کود کی بعد از نماز عشاء حضرت میان شیرربانی قلس سره همراه محبان و دوستان بالای مسجد می رفت و باذوق و شوق تمام در ذکر الہی مشغول می گشت. و در حال ذکر در جنبه و جوش می آمد که وجود بر او طاری می شد و ناگاه از سقف مسجد بر

زمین می افتد ○

وارفتگی عجیب: و گاهی در شب از شهر بیرون می رفت و در کنار خیابان نشسته در ذکر الہی محو می شد. چون حالت ایشان متغیر می گشت و در بی قراری دوستی را با سینه می گرفت و از سینه مبارک حضرت صاحب صلای "اللہ هو" می شنیدند. "سبحان اللہ". این حال در کودکی داشت.

فصل سوم: در آموزش و پرورش

حضرت میاں شیرربانی قدس سره

آغاز آموزش از آیات قرآن گشت: چون حضرت میاں شیرربانی قدس سره العزیز قابل راه رفتن شد، از آیات قرآن مجید آغاز آموزش کرد کتاب ابتدائی (قاعده اول) را بزودی از برآمد زیر سپرستی والله بزرگواره و عم مکرم حضرت میاں حمید الدین قرآن مجید را ناظره ختم فرمود عم مکرم حضرت صاحب را در مدرسه کودکان برد و نام ایشان ثبت کرد

آموزش کلاس پنجم و کتب عربی و فارسی مروجہ آن روزگار: می گویند حضرت صاحب در مدرسه خوش نبود چون وقت مدرسه تمام می شد، حضرت صاحب سوی مسجد رخ می نمود و در مسجد رسیله و سرخم کرده در گوشہ می نشست در مدرسه تا کلاس پنجم ابتدائی آموزش و پرورش رسمی را اخذ نمود چون مشیت رب کریم دیگر بود لذا از تعلیم مدرسه فارغ التحصیل شده در تعلیم کتب عربی و فارسی مروجہ و متداوله آن روزگار مشغول گشت و بکوششهای جد بزرگوار حضرت حافظ محمد حسین رحمته الله علیه و عم مکرم حضرت حمید الدین رحمته الله علیه در راه آموزش و پرورش گام می زد و در روایتی است که از عم بزرگوار خود کلام مجید و چند کتب فارسی آموخته بود و سپس نصاب مروجہ از بزرگان دیگر مثل حکیم شیر علی که شاگرد رشید مولانا غلام رسول بود نیز درس می خواند.

بهره مندی از عرفان الهی: معروف است که چون حضرت میاں شیرربانی قدس سره سیپاره (جزی قرآن عظیم) می خواند، اشکها از چشم مبارکش رو ان می گشت و سیپاره از آب رسیدگی خسته می شد. چون جد بزرگوار سبب

اشک فشانی می پرسید، حضرت صاحب خاموش اختیار می فرمود گویا
بزیان حال می گفت که خداوند کریم مرا عرفان خود نصیب فرموده است و

من در یاد الهی محو و مستفرق گشته گریان می شوم ○

مهارت در فن خطاطی: حضرت مولانا شیرربانی قدم سره فن خطاطی را از
وراثت آباء و اجداد یافته بود لذا در خوشنویسی و خطاطی مهارت خاصه پیدا
کرده بود و در خط های گون مشق می فرمود در بیاض ها آیات قرآن و
کلمات دیگر بالخصوص اسم اعظم "الله" (جل جلاله) و نام مبارک "
محمد" (صلی الله علیه وسلم) را با خیلی قشنگی و زیبائی خطاطی می
فرمود کاتبان و خوشنویسان ماهر این هارا دیده انگشت بلندان می گشتند.
در این فن نیز مقصود حضرت میان صاحب فقط حصول و وصول الی الله بود.
زیرا که فقط حمد و ثنای باری تعالی و نعمت رسول مقبول صلی الله علیه
 وسلم و اسمای نبوی را بانقض و نگار رقم و تحریر می فرمود و خط مبارک
حضرت صاحب مظہر محبت الهی و عشق رسول مقبول بود.

فصل چهارم: در عالم شباب

حضرت میان شیرربانی قدس سرہ

حضرت شیرربانی محب صادق و عاشق حقیقی بود، در آغاز ورود به جهان
در عشق الهی مستفرق گشته بود و چون حرف می زد، کلامش از عشق الهی
مملو می بود و چون در مکتب می رفت، درسش یاد و ذکر الی می بود ○
چون آغاز نگارش می نمود، دستش اسم الهی و نام گرامی "محمد مصطفی"
صلی الله علیه وآلہ وسلم رقم می فرمود و چون همراه دوستان می نشست،
اسم "الله" جل جلاله از زبان بلند می کرد و در خلوت و جلوت در ذکر الهی

مشغول می بود جوانی و عالم شباب حضرت صاحب نیز نمونه عالی ذکر و عبادت و یاد الهی می بود:

- قیاس کن ز گستان من بهار مرا

خلوت گزینی: چون حضرت شیربانی رحمته اللہ علیہ از کودکی به حد جوانی وارد شد، تاکنون نیز در قبرستان می رفت و در قبرهای شکسته و خراب شده می خوابید و گیف و لنت روحانی زیاد محسوس می کرد و در عالم آخرت مستفرق می گشت.

حالت سکر: حضرت میاں شیربانی در عشق الہی این طور فنا گشته بود که چون صدای چرخی می شنید، در وجود می آمد و حالت سکر بر ایشان غلبه می کرد و درین حال بر هر کسی که نگاه می فرمود، او نیز در وجود می آمد.

عربی در وجود آمد: یک نفر عربی در مسجد حضرت شیربانی رحمته اللہ علیہ آمد، چون حضرت میاں صاحب را دید، گفت: "این مجنون است". حضرت میاں صاحب که همواره سرشار از می توحید می بود، چون نگاه مخمور عرفانی سوی این عربی فرمود، او در وجود آمد.

شفقت با خلق خدا: حضرت صاحب شبی به مادر بزرگواره خود فرمود که مرا سرد است. مادر بزرگواره حضرت میاں صاحب رالعافی پوشانید. بعد ازان فرمود: "مادر جان سرما تاکنون اذیتم می دهد". مادر بزرگواره فرمود: "امروز شمارا چه است؟" فرمود که آیا مهمانی درخانه داریم؟ مادر بزرگواره فرمود: "آری"! حضرت فرمود: "آن را رخت خواب وغیره داده اند؟" "چرانه؟" مادر گفت. حضرت صاحب فرمود: "همراه اش اسبی است؟" مادر گفت: "آری، همراه او اسبی است که آن را بیرون بسته اند". حضرت صاحب فرمود: "مادر جان وقتی که آن اسب از سرما محفوظ شد، سرمای من نیز کم می شود". سبحان اللہ

یاری و کمک به مفلسان: حضرت صاحب چون کسی مفلس را می پید که احتیاج به جامه دارد، از خانه جامه می آورد و او را می داد و چون می پید که کسی گرسنه است، از خانه طعام می آورد و به او می خورانید.

تقوی کوشی: می گویند درویش بوبه نام فضل دین که در مسجد حضرت میان شیرربانی قدم سره اقامت داشت، مردی بود خیلی متقد و نیکد طعام از خانه مشتبه هرگز نمی خورد و بر کسانی که اعتماد کامل داشت که رزق ایشان حلال و طیب است، از ایشان آرد می گرفت و بدست خود نان می پخت. حضرت میان صاحب نان خود به او می داد و نانی که او می پخت، آنرا تناول می فرمود.

دوست و مسکین پروری: حضرت میان شیرربانی قدم سره خیلی دوست پرور و مسکین نواز بود اکثر و بیشتر از بازار و دکان ها چیزهای خورش و نوش می آورد و دوستان و مسکینان که احتیاج مند می بودند، را مجانی می داد و این کار خیر تاحد می کرد که مقروظ می گشت.

بشارت غیبی: روزی پدر بزرگوار حضرت میان صاحب وقت سعری بر اسبی سوار شده به کاری خود تشریف می برد که کمی لگام اسب او گرفت و گفت: "پسری را که شما دیوانه خیال می کنید وبا او نا راحت می شوید، روزی مرد اقبال مند و صاحب مرتبه ای خواهد گشت و نام او خیلی شهرت خواهد یافت مگر شما آن را نخواهید دید".

پدر بزرگوار حضرت میان صاحب ازین بشارت غیبی از مستقبل و آینده روش و شاندار پرسش آگاه شد و بعد ازین همواره با حضرت میان صاحب خیلی مهربان می بود و وامهای (که حضرت میان صاحب برای کمک و یاری دوستان و مسکینان و احتیاج مندان می گرفته) حضرت میان صاحب را ادامی نمود.

قبولیت دعا: بگفته تذکره نگاران حضرت شیرربانی، قدم سره روزی در

هوای تابستان گرم بر سقف مسجد نشسته بود. ناگاه در حال سکر آمد و از سایه بلند شده در آفتاب رفته بر زمین دراز کشیده و از بان مبارکش من فرمود که باید ما از گرمای مولا کریم نیز لطف اندوز بشویم. بعد ازان از گرمای آفتاب عرق از بدن مبارک حضرت صاحب چکیدن گرفت و حضرت صاحب ایستاده گشته نشست و نگاهش به آسمان کرده گفت: خداوندا اکنون باران بده و هوا را سرد بفرما که برای تو مشکل نباشد! من گویند که همون وقت بر آسمان پاره‌ای ابر نمودار گشت و باران آمد. حضرت میان صاحب قدس سره از سقف مسجد پائین آمد و با دوستائش نشسته گریه من کرد و استغفار من خواند و من فرمود: "نمی‌دانم که خداوند باران دادن من خواست یا نه؟" چرا من خواهش این کردم؟" تا روزهای زیاد همین کلمات تاسف آمیز بر زبان مبارکش جاری من بود و به عجز و انکسار خود اشکها من ریخت.

شهسوار بلند مرتبه ای: حضرت میان شیرربانی قدس سره از آغا ز عمرش خیلی دوستدار سوار شدن بر اسب من بود. اسبی تند و تیز و بدخو چون در رکاب حضرت من آمد و حضرت صاحب لگام او گرفته بر آن سوار من گشت، آن اسب مطیع و فرمانبردار حضرت صاحب من شد. من گویند که برخی مردمان حضرت میان صاحب را "ملک الموت" اسیان من گفتند.

باری مردم از ده دیگر بر موقع ازدواج عزیزی در شرقپور شریف آمدند و همراه ایشان اسبی بدخو بود. چون آنان داستا نهای شاهسواری حضرت میان صاحب قدس سره شنیده بودند لذا برای آزمائش و امتحان حضرت صاحب اسب بدخوی خود را در حضور حضرت صاحب آوردند و گفتند که لطفاً" بر این اسب سوار بشوید. حضرت میان صاحب فوراً" بر اسب منکوره سوار گشت و اسبی که به بلغمزاجی خود معروف بود و هرگز نمی‌گناشت که کسی بزودی و به آسانی بپیشگش سوار شود، اخلاً" دمی نکشید و از جای خود پائی نبرداشت و مطیع و فرمانبردار حضرت صاحب گشت و حضرت صاحب هر

۶۹۱

68 86651

جانبی که لئامش می کرد، آن طرف راه می رفت. چون مردم این کرامت حضرت صاحب دیدند، "فوراً" در عقیدتمندان حضرت صاحب شامل گشتند. اندازه اراده یا قوت: قاضی ضیاء الدین لاہوری روایت می کند که مولوی یار محمد مرحوم فرمود که باری حضرت میان صاحب بموضع "چونیاں" تشریف برند. وقت برگشتن حضرت میان صاحب کسی اسبی برای سوار شدن حضرت میان صاحب آورد و آن اسبی بود، بسیار تیز رفتار و زور آور، ولی حضرت میان صاحب این را در خاطر نیاورد و چون اسب نزد حضرت میان صاحب آمد، حضرت میان صاحب برپشتش دست مالید و بر ان سوار گشت. اسب هیچ حرکتی ناشائسته نکرد و به آرام راه رفت. پس حضرت میان صاحب از "چونیاں" جانی دیگر سفر کرد و گویا در حجره شاه مقیم تشریف برد.

فصل پنجم: در بیعت مرشد تاعظات خلافت

راه روان جاده عرفان و تصوف همواره می خواهند که هر نفسی ایشان در محبت و ذکر و عبادت الهی صرف گردد. لذا ایشان در عبادت و ریاضت معو می شوند و در رہنمائی مرشدان کامل و مکمل این منازل و مراحل را با کمال صدق و صفاتی می کنند. ایشان می دانند که هیچ عبادت و ریاضت که خلاف سنت خیر الانام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم باشد، مقبول نمی گردد:

خلاف پیغمبر کسی را گزید که هر گز بمنزل نخواهد رسید
شجره طریقت حضرت شیرربانی قدس سره: حضرت میان
شیرربانی قدس سره چون از علوٰ ظاهری کسب و انداد نصیب خود گردید
بردست مبارک حضرت بابا امیرالذین نقشبندی رحمتہ اللہ علیہ (ساکن

کوئله پنجبیگ) بیعت نمود که یکی از بزرگان و عارفان سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه بود زنجیره و شجره طریقت حضرت میاں شیرربانی قرار زیر است:

حضرت میاں شیرربانی شیر محمد رحمتہ اللہ علیہ مرید حضرت خواجه امیرالدین قدس سره (م ۹ ذیقعد ۱۳۳۱ھ کوٹلہ بتو بیگ بخش شنپوره) و ایشان مرید حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره (م ۱۳ اشویل ۱۲۸۲ھ) و نیز ایشان استفاده از خواجه صادق علی شاه قدس سره فرزند و جانشین حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره کرده بود و حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره (که مزار ایشان در رتّ چهتر مکان شریف، نزد گورDas پور هند واقع است) مرید حضرت خواجه قاضی احمد دمائی قدس سره (م ۱۲۲۳ھ) که ساکن موضع قاضی گونه احمد، علاقه سند) و ایشان مرید حضرت خواجه محمد زمان قدس سره (م ۳ ذیقعد ۱۲۸۸ھ، ساکن اواری شریف، بخش بدین، سند) و ایشان مرید حضرت خواجه شیخ محمد تتوی قدس سره (م ۹ ذوالحجہ مکہ مکرمہ) مرید حضرت محمد حنیف پارسا قدس سره (م کم صفر ۱۰۲۳ھ، بامیان از توابع کابل) و نیز از روحانیت حضرت خواجه زکی قدس سره (م ۱۳۲۳ھ، سکل لاتنی) استفاده فرمود و حضرت خواجه محمد حنیف پارسا قدس سره مرید حضرت خواجه عبدالاحد قدس سره (م ۲۷ ذوالحجہ ۱۱۲۶ھ، سرہند شریف) که ایشان بیعت و مرید پدر بزرگوار خود حضرت خواجه محمد سعید (م ۲۸ جمادی الثانی ۱۰۷۰ھ، سرہند شریف) و سپس از عم بزرگوار خود حضرت خواجه محمد معصوم (م ۹ ربیع الاول ۱۰۷۹ھ، سرہند شریف) نیز استفاده روحانی فرموده است و خواجه محمد سعید قدس سره مرید حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرهنگی قدس سره (م ۲۸ صفر ۱۰۳۲ھ، سرہند شریف) و ایشان مرید حضرت خواجه محمد باقی باللہ قدس سره (م ۲۵ جمادی الثانی ۱۰۱۲ھ، حلی شریف) و ایشان مرپا، حضرت بخواجہ محمد انگنگی قدس سره (م ۲۲ شعبان اعظم) (م ۱۰۰۸ھ، مرضیح ما کنه نزو بخارا) و ایشان مرید حضرت مولانا محمد درویش

قدس سره (م ٢٩ محرم ٩٠ هـ، استقرار مضافات ماوراء النهر) وايشان مرید حضرت مولانا زاده
 ولی قدس سره (م کم ربيع الاول ٩٣٩ هـ، موضع دش) وايشان مرید حضرت خواجه
 عبیدالله احرار قدس سره (م ٢٩ ربيع الاول ٨٩٥ هـ، سرتقد) وايشان مرید حضرت مولانا
 یعقوب چرخى قدس سره (م ٥ صفر ٨٥١ هـ، حلقة) وايشان مرید حضرت خواجه
 علاء الدین عطار اقدس سره (م ٢٠ ربیع الاول ٨٠٢ هـ، موضع چغانیان) وايشان مرید امام
 الطریقت و الشریعت بانی سلسله نقشبندیه حضرت خواجه بهاء الدین
 نقشبند قدس سره (م ٣ - ربيع الاول ٩٧ هـ، قصر عارفان، بخارا) وايشان مرید حضرت
 خواجه امیر کلال قدس سره (م ٨ جمادی الاول ٧٧٢ هـ، "سورخا" نزد بخارا) وايشان
 مرید حضرت خواجه بابا سماوی قدس سره (م ١٠ جمادی الثاني ٧٥٥ هـ، موضع "سماں" نزد
 بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه رامیتنی قدس سره (م ٢٨ ذی القعده ٧٢١ هـ، خوارزم
 منطقه بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه محمود انجیر مفنوی قدس سره (م ١٥
 هـ، انجیر نجد) وايشان مرید حضرت خواجه عارف ریوگری قدس سره (م کم شوال ٦٦
 هـ، "ریوگر" نزد بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه عبدالخالق غجدوانی قدس سره
 (م ١٢ ربيع الاول ٥٧٥ هـ، نجد وان) وايشان مرید حضرت خواجه یوسف همدانی
 قدس سره (م ٢٧ ربیع ٥٣٥ هـ، مردو) وايشان مرید حضرت خواجه ابو على فارمدى
 قدس سره (م ٣ ربيع الاول ٧٣ هـ، طوس) وايشان مرید حضرت خواجه ابوالحسن
 خرقانی (م ١٠ محرم ٣٢٥ هـ، خرقان) وايشان مرید حضرت بایزید بسطامی قدس سره
 (م ١٣ شعبان ٢٦١ هـ، بسطام) وايشان مرید حضرت امام جعفر صادق قدس سره (١٥
 ربیع ١٣٨ هـ، مدنه منوره) وايشان مرید حضرت امام قاسم بن محمد ابی بکر رضی
 اللہ تعالیٰ عنہ (م ١٣ جمادی الاول ١٤١ هـ، مدائن) وايشان مرید حضرت سلمان فارسی
 رضی اللہ تعالیٰ عنہ (م ١٠ ربیع ٢٣ هـ، مدائن) وايشان مرید صدیق اکبر حضرت
 ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ (م ٢٣ جمادی الثاني ١٣ هـ، مدنه منوره) وايشان مرید
 سیدالمرسلین و خاتم النبیین و رحمته للعالمین سیدنا و شفیعنا و سلیمانی
 الدارین حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم وصال مبارک (١٢

ربيع الاول ۱۱ هـ مدینه منوره) -

در خدمت حضرت سعادت علی رحمته اللہ علیہ: حضرت میاں شیربانی در عبادت و ریاضت مشغول می بود و جستجو می کرد که بیعت مرشدی بخند کے کامل و مکمل باشد بزرگی از خانواده حضرت میاں شیربانی تعلق روحانی به "حجره شاه مقیم" داشت لذا در آغاز به "حجره شریف" در خدمت حضرت پیر سعادت علی سجاده نشین حجره شاه مقیم رفت حضرت پیر سعادت علی چون دانست که حضرت میاں صاحب برای بیعت نمودن با ایشان آمده است فرمود: مرشدی بلند مرتبه و کاملی را بجو که ما از دستگیری عاجز آمده ایم

بیعت با حضرت بابا امیرالدین نقشبندی: در آن روزها حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قلس سره اکثر و بیشتر از "کوئله شریف" به "شرقپور شریف" نزد جد بزرگوار حضرت میاں شیربانی تشریف می آورد و درخانه ایشان که قریب مسجد شرقپور بود اقامت می فرمود مدتی در شرقپور شریف قیام می کرد و بعداً به خانه خود در کوئله شریف بر می گشت حضرت بابا امیر الدین نقشبندی از عارفان بلند مرتبه و کامل مکمل سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه بود روزی با تصرف روحانی حضرت میاں شیربانی قلس سره را جانب خود کشید حضرت میاں صاحب همون وقت بیعت ایشان کرد و در مریدان و عقیدت مندان ایشان شامل گشت حضرت بابا امیرالدین توجه خصوص روحانی بر حضرت میاں صاحب نمود و تلقین ذکر و وظائف سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه فرمود حضرت میاں صاحب در حالت جذب و سکر آمد و بیخود شده گریبان چاک نموده در عالم بیقراری بر در مساجد می رفت و در ذکر الهی مشغول شده "الله، الله" می فرمود و در بیابان ها می رفت و در ذکر و فکر و عبادت الهی و ریاضتهای شاقه می نمود و مدتی زیاد در عالم سکر بود

طی منازل عرفانی : ہمواره خدمت پیر و مرشد می کرد و در سهای روحانی که از پیر و مرشد می گرفت، آنها را کاملاً در معمولات خود شامل می کرد لذا در وقت خیلی کم در ادای اشتغال سلسله نقشبندیه مجددیه کمال حاصل نمود لطایف شش گانه ادا فرمود و منزل سلطان الذکر طی نمود و مهارت خاصه در ذکر نفی و اثبات و طریقه یادداشت حاصل کرد و در اتباع سنت خیرالانام مستفرق شده منازل فنا فی الشیخ و فنا فی الرسول و فنا فی اللہ راطی نمود

چون پیر و مرشد حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ را در معراج کمال دید، حضرت میان صاحب را در حضور خود طلب فرمود و تحریر عطای خلافت به حضرت میان صاحب پیش نمود حضرت میان صاحب عرض کرد: "حضرت من برای خلافت مرید نگشته بودم بلکه مقصودم این بود که از فیض و برکت بیعت شما بنله معبود حقیقی بشوم". حضرت بابا امیرالدین نقشبندی معلم حضرت میان صاحب را شرف قبولیت بخشید.

کسب علوم ظاهري و نقلی از مرشد خود : حضرت بابا امیرالدین قدس سرہ اکثر و بیشتر در شرقپور تشریف می اورد و حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ همواره شب و روز خدمت پیر و مرشد خود می کرد. باری حضرت امیر الدین به مرید صادق خود حضرت میان صاحب را فرمود که زیر سرپرستی من کتب سیر و سوانح انبیاء و عرفاء و طریقت و شریعت را مطالعه بکنید. لذا حضرت میان صاحب ارشاد مرشد و شیخ خود را تعمیل کرد و این طور کسب علوم ظاهري و نقلی را نیز بلا واسطه از مرشد کامل و مکمل خود اخذ نمود.

عطای خرقه خلافت : مرشد و شیخ مشفق و کامل بر حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ خیلی لطف و شفقت و عنایت می فرمود چون "خلافت نامه" تحریر فرموده به حضرت میان صاحب خرقه خلافت پوشانیدن

میخواست، حضرت میاں صاحب خاموش می ماند یا معذرت می کرد روزی بر موقع مناسب به خدمت مرشد خود التماس نیز کرده بود که مخدوماً من خودم را لائق و سزاوار این مرتبت نمی دانم و معذرت می خواهم.

دو و نیم سال همین طور گذشت. روزی حضرت بابا امیر الدین حضرت میاں صاحب را طلب کرده فرمود: "اگر مرا مرشد خود خیال می کنید، گفته من را قبول کنید و مزید پس و پیش نکیند. اکنون وقت من قریب است و نوبت کار شمامی آید لذا هر جائیکه می گوییم آنجا بروید و خدمت مردم و خلقت خدا بکنید. در همین فلاح شماست و یقین بکنید که ازین فریضه و کار هیچ چیز افضل تر نباشد. هر چه دارید در تقسیم آن بخواهند و هر چه ندارید از خالق و پروردگار امید داشته باشید که شمارا حتماً می دهند. هر چه طلب می کنید نصیب خود رامی یا باید و اکنون جای فرار برای شما نیست".

سپس حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره بدلست مبارک خود خرقه خلافت به حضرت میاں شیرربانی قدس سره را پویشانید و دستار روی سر مبارک الیشان بست. حضرت میاں صاحب سند خلافت و دستار و خلعت خلافت را بسر و چشم فرسوده و در بارگاه خداوند سجده شکر بجا آورد. بنای خانقاہ نقشبندیه در شرقپور شریف: بعد از عطای خرقه خلافت حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره حضرت میاں شیرربانی قلمن سره را فرمود که در شرقپور بروید و مردم را در راه حق رهنمائی بفرمائید. لذا حضرت میاں صاحب از خانقاہ پیر و مرشد به شرقپور شریف تشریف آورد و بر مسند ولایت ممکن گشت و در شرقپور شریف بنیاد خانقاہی از سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه نهاد و در رهبری و رهنمائی طالبان حق مشغول شد. در مدتی کم و قلیل شهره این خانقاہ در همه منطقه و کشور معروف گشت و مردم از راه های دور شبه قاره پاک و هند به جانب این خانقاہ می دویند و

این سلسله تاکنون جاری است

افتخار مرشد: حضرت بابا امیرالدین قدس سرہ مرشد حضرت میان شیربانی قدس سرہ من فرمود که اگر خداوند از من پر سید که از دنیا چه آورده اید؟ من "شیر محمد" (حضرت میان شیربانی) را در حضور خداوند پیش خواهم کرد "سبحان الله".

فصل ششم: در مسافرت های روحانی

حضرت میان شیربانی قدس سرہ همواره در شرقپور شریف می بود زیرا که مردم از راه های دور و دراز به شرقپور شریف می آمدند و معروف شده بود که خانقاہ نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف از وجود مسعود حضرت میان شیر ربانی رحمته الله علیه نشان و وسیله مشکل کشایی و غمگشایی خلقت خدا می باشد. لذا حضرت میان صاحب خیلی کم به مسافرت می رفته اند. مردم نمی گناشتند که حضرت صاحب از شرقپور شریف بیرون برود و حضرت میان شیربانی قدس سرہ نیز با معمولات خویش خیلی علاقه مند بود و ہمیشه در عبادت الهی مستفرق و در تبلیغ و آموزش طالبان حق و مریدان و عقیل‌تمدنان خویش مشغول می بود.

بازم با پابندی خاصه در "قصور" می رفت و سفر لاہور برای زیارت درگاه حضرت شیخ ابوالحسن علی هجویری معروف به "داتا گنج بخش" رحمته الله علیه و مسافرت به پیشاور برای زیارت مقبره حضرت شاه محمد غوث قادری معمول ایشان گشته بود و با آغا شاه سکندر قادری نیز ملاقات کرد با حضرت خواجه محمد باقی بالله قدس سرہ و حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سر ہنلی قدس سرہ عقیلت و محبت خاصه داشت لذا بارها به مسافرت های دھلی و سرہند شریف (ہند) تشریف می برد سفر های روحانی

پانی پت (هند) برای زیارت درگاه غوث علی شاه پانی پتی کرده بود و مسافت روحانی کرنال (هند) نیز فرمود درمولتان برای زیارت درگاه حضرت خواجه بهاء الحق والدین زکریا مولتانی تشریف می برد و مسافت به بربیلی (هند) با ملاقات کردن با اعلیٰ حضرت شاه احمد رضا خان بربیلی رحمته الله عليه نیز کرده بود برای زیارت مزار حضرت قاضی احمد دماشی قدس سرہ در موضع قاضی گونه احمد منطقه سند تشریف برده بود و در قصبه بیر بن شریف (بغش سرگوونها) و قصبه لله شریف (بغش جهلم) نیز رفته است دو بار مسافت گولزه شریف (بغش راولپنڈی) کرده بودو با حضرت پیر محمد علی شاه ملاقات روحانی فرموده بود

درخانه های مریدان و اراد تمدنان قیام کردن هر گز پسند نمی فرمود ارادتمدنانی خیلی کم را شرف مهمان نوازی حضرت میاں شیر محمد ربانی قدس سرہ نصیب گردیده است

باب سوم:

فیضان مبارک

فصل اول در اتباع سنت

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ پیکر اتباع سنت بود در هر قول و فعل پاسداری سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم می کرد اگر کسی عملی خلاف سنت می نمود و حضرت میاں صاحب آن را می دید اظهار ناراحتی و ناگواری زیاد می فرمود در هر کاری و فعلی می خواست که سنت خیرالانام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم جاری و ساری باشد در نماز صفحه ارا بمطابق سنت با دست مبارکش درست و راست می فرمود در عبادت و ریاضت و گفتار و کردار و آداب و معاشرت و نشست و برخاست و وضع و قطع خویش همواره سنت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را دوست می داشت غرضی که در هر لمحه زندگانی خود تفسیر عملی آیه کریمه: "اطیعو اللہ و اطیعوا الرسول" می بود.

چون کسی عملی خلاف سنت می کرد حضرت میاں صاحب آنرا بنظر حقارت می نگریست و عزت و احترام او هرگز نمی کرد و اکثر و بیشتر می فرمود که اگر مسلمان عمل خلاف سنت و غیر مشروع را بیند باید مثل گرگ گرسنه که بر بز حمله اور می شود بر مخالف پیغمبر اکرم و تارک سنت به افتد.

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ در زندگانی مبارکش روح و معنویت اتباع سنت را تازه نمود هر کسی که در خدمت ایشان حاضر می گشت او را تاکیدی فرمود که در اتباع سنت رحمت دو عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کو شان باشد که کامرانی دو جهاد در پیروی سنت می باشد حضرت

میان صاحب[ّ] محب و عاشق صادق آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بود اکثر در حال سکر می فرمود که ما از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آگاه هستیم و چون در حال صعومی آمد[ّ] می فرمود : "بعد از خدا بزرگ تونی قصه مختصررا".-

شادروان (مولوی) میان سر محمد شفیع برادر خاله زاد حضرت میان شیر ربانی قدس سره بود باری حضرت میان صاحب پیش خاله خود به لاپور تشریف برد و به خاله خود فرمود : "خاله جان چه پسری مختلط زائیده اید که نه ریش دارد و نه سبیل ! اگر امروز او ریش می داشت[ّ] چون در کونسل (کمیته) انگلیسیه می نشست[ّ] چقدر قشنگ می بود و از شکر و صورتش چه رعب و دنبیه اسلام بر دل انگلیسیها نقش می گشت و انگلیسیها می دانستند که مسلمان اینقدر بارعب و باوقار می باشند[ّ] مگر تاسف می خورم که او (میان محمد شفیع) عیسائی (نصرانی) گشته است (یعنی شکر و صورتش مثل مسلمانان ندارد)".-

حضرت میان صاحب[ّ] باری به سر محمد شفیع فرمود : "دلم نمی خواهد که اسم شما بربان رانم[ّ] اسم شما چقدر قشنگ است رعایت اسم شما بگنید و بسگالید و بفهمید که صورت پدر شما چقدر عالی بود امروز شما آن طور شکر و صورت هارا دوست ندارید در حقیقت این هم خطای همون بزرگان هست که شمارا در ولایت (لنلن) فرستاده اند اگر ایشان شمارا آنجا نمی فرستادند[ّ] شکر و صورت شما هر گز مسخ نمی شد".-

روزی افسری از اداره قطار (ریلوے سپریٹنٹنٹ) در خدمت حضرت میان شیر ربانی قدس سره آمد که ریش و سبیل تراشیده و بر سر کلاه اداری و محکمانه داشت[ّ] حضرت میان صاحب[ّ] از او پرسید که شمارا چقدر حقوق (تنخواه) می دهند؟ گفت : "هزاریا یازده صد روپیه !" حضرت میان صاحب[ّ] لطمه ای زور دار طوری بر رخسارش زد که کلاه اش دور افتاد و سپس فرمود

که آیا این هزار روپیه شمارا از "منکر و نکیر" محفوظ خواهد داشت و "پلصراط" را بوسیله همین عبور خواهی کرد؟ و آیا وقت حساب و کتاب در محشر رشوه داده در جنت خواهی رفت؟ آیا مسلمانی همین است؟ بهم فرزندان انگلیسیها اند و در انگلستان فرزندان بدون پدر همین طور می باشند.

اہل دنیا کافران مطلق اند

روز و شب در بق بق و در رق رق اند

اہل دنیا چه کهین و چه مهین

لعنت اللہ علیهم اجمعین

اہل دنیا چون سک دیوانه اند

دور شو زیشان که بس بیگانه اند

باز فرمود: "آقا پاسداری قانون خداوند چیزیست، آنرا کسی ادامی کند که خالق و مالک خویش را احترام بگذارد". - این افسره از بیان مبارک و تنبیه حضرت میاں صاحب خیلی متاثر گردید و در آینده حالت خود را درست نمود

فصل دوم: در ارشاد و تبلیغ دین: اکثر عالمان در خدمت حضرت میاں شیرربانی قلس سره حاضر می گشتند. حضرت صاحب از ایشان می پرسید اکنون حال پاسداری شریعت چه طور است؟ برخی می گفتند اکنون حال پاسداری شرع خیلی خوب است! مردم نماز هامی خوانند و روزه هامی گیرند. حضرت میاں صاحب می فرمود که وضع حقوق مردم چطور است؟ پدر دشمن پسر و زن دشمن خاوند و همسایه دشمن همسایه می باشد! آیا همین پاسداری شرع است؟ - چشمهاي مردم عالمان وازمی شد و ایشان در هوش می آمدند و می گفتند: آری، حضرت صاحب، مردم شرع و قرآن عظیم را پس پشت گذاشته اند. باز حضرت میاں صاحب می پرسید: "آیا بیست سال قبل ازین حالت مردم همین بود؟" عرض می نمودند: "نه، حضرت صاحب، قبل ازین در

مردم محبت و خلوص و همدردی بوده که الان اصلاً" مفقود است. حضرت میان صاحب من فرمود که این همه اثر انگلیسیهاست (یعنی اثر حکمرانی و ثقافت نصاری بر مسلمانان من باشد)

روش پند و اندرز : روزی حضرت میان شیربانی قدس سرہ در "حجره شریف" تشریف برد این ده پیر خانه بزرگان حضرت میان صاحب بود دید که سجاده نشین خانقاہ حجره شریف ریش تراشیده دارد و اهتمام اوقات نماز نیز ندارد و برای شکار و صید تفنگ و سگ وغیره داشته باشد. حضرت میان صاحب به او فرمود: این چه طرزی ست که شما اختیار نموده اید؟ آیا آبا و اجداد شما اینطور من کردند؟ یا این سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و طریقه حضرت علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ من باشد.

جناب سجاده نشین چون این حرفهای حضرت میان صاحب شنید، خیلی شرمنده گشت و زار و قطار گریستن آغاز کرد و گفت "من همه خلاف روش بزرگان خود کرده ام، الان توبه من کنم و در آینده اینطور کار هانمی کنم و برداشت شما توبه من کنم".

طرز اصلاح احوال مردم : چون حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ کسی را می دید که در او عیبی سست، او را بلا تردد مطلع من فرمود، حاکم بود یا محکوم و مسکین بود یا مالدار و مسافر بود یا هم شهری و رشته دار بود یا غیری، او را بهر طوری از عیبیش آگاه من ساخت. مردم حرفهای حضرت میان صاحب را برضاء و رغبت من شنیدند چرا که من دانستند که کسی که با ایشان نصیحت من فرمود او حضرت میان شیر ربانی من بود که خودش نمونه کامل اتباع سنت مصطفی علیه الصلوٰۃ والسلام پیش من نمود.

علامه اقبال لاهوری در حضور حضرت شیر ربانی قدس سرہ: روایتی سست که باری علامه اقبال لاهوری (شاعر مشرق و مفکر اسلام جهانی) برای زیارت حضرت میان صاحب به شرقپور شریف آمد و حضرت میان

صاحب قدس سره چون علامه اقبال را دید، فرمود که اقبال گاه بگاه من آید (یعنی هر روز نمی آید) و بعده "فرمود که حجام را بیارید که من ریش خود را بتراشم. این انداز و روش تبلیغ حضرت میان صاحب بود که اقبال را احساس من داد که شما سنت مصطفی صلی الله علیه وسلم یعنی ریش ندارید. علامه اقبال اشاره حضرت میان صاحب را فهمید و درک کرد و گفت که حضرت باید از گناه نفرت کرد نه که از گناهگار! ولی چون اقبال حرفهای حکمت آمیز حضرت میان صاحب را شنیده همون وقت در چشممش اشکها روان گشت.

حضرت میان صاحب شفقت و معبت زیاد به اقبال فرمود و توجه او را به سوی امور شرعی نمود. میگویند که علامه اقبال تامدتنی زیاد نشسته گریان بوده و تاسف من خورده که او در آخر عمرش زیارت حضرت میان صاحب نموده است. روایتی است که علامه اقبال در مدح حضرت میان صاحب قطعه گفت و در حضور حضرت صاحب آن را خواند. ولی حضرت میان صاحب حسب معمول از کسر نفس خود آن قطعه (که درستاش ایشان بود) را نه پستنید و سپس اقبال نیز آنرا از ذهنش فراموش کرد.

ابر شفقت حضرت میان صاحب: ابر شفقت حضرت میان شیرربانی مثل باران می بارید و در حضور حضرت میان صاحب فقط مسلمانان نمی آمدند بلکه مردم غیر مسلم نیز برای زیارت ایشان حاضر می گشتند. حضرت میان صاحب با هر کس رفتار خوب و مساوی می کرد و در خانقاہ ایشان همه کسان عزت و حرمت من یافتند.

باری شخصی که منهبا" سیکه (سیک) بوده در خانقاہ حضرت میان صاحب حاضر گشت. گویا مردمان زیاد در خدمت حضرت صاحب موجود بودند. لذا این سیکه (سیک) در گوشه ای خاموش گشته نشست. مدتی سرش را خم کرده نشسته و سپس بلند شده و قریب حضرت میان صاحب آمد.

و اجازه رفتن طلبیله گفت: "حضرت صاحب' خداوند شما را اجر بند، کاری که از سالها درست نمی شد' اکنون در حضور شما درست شده است" گویا او را نویت به عرض گزاری نیز نشد ولی دلش قرار یافت. "سبحان الله".

سیکه مسلمان گشت: باری حضرت میان شیربانی قدس سره در سر هند شریف (هند) برای زیارت مزار مقدس حضرت مجدد الف ثانی امام ربانی شیخ احمد فاروقی سرهنگی قدس سره می رفت در راه بریک ایستگاه قطار حضرت صاحب پیاده گشت که برای وضو آب بگیرد چون آب وضو گرفته حضرت میان صاحب برگشت جوانی خوش وضع و صورت را در لباس ارتضی ملبوم در اطاق قطار ایستاده دید. حضرت میان صاحب "نگاه خاص به سوی این جوان فرموده به او خطاب نمود: "ای جوان آیا صورت شما مثل مسلمانان می باشد؟" جوانی که سیکه (سیک) بود، اصلاً توجه به جانب حضرت صاحب نکرد و با تندی و ترشوئی گفت: "برو، ای بزرگ، کار خود بکن" گویا نمی دانست که حضرت میان صاحب داشت کار خود را انجام می داد. قطار بوق زد و به راه رفت.

ناگاه همون جوان که سیکه بود، دویله در اطاق قطاری حضرت میان صاحب وارد گشت و بر قدم مبارک ایشان افتاده، عرض گزارشد: "حضرت مرا مسلمان بسازید!" حضرت میان صاحب با کمال محبت و شفقت او را به سینه خویش گرفت و فوراً مسلمانش کرد.

انداز ارشاد و تبلیغ: روش و طرز ارشاد و تبلیغ حضرت میان شیربانی خیلی عمدہ و دلنشین و عالی بود و طرز گفتار ایشان شیرین و دلکش بود. ایشان خیلی نرم و سهل و ساده بصورت کلمات مسجع حرف می زد. سلاست و بلاغت حرفهای ایشان درحال خشمگینی نیز برقرار می بود. انداز گفتار اینقدر دلنشین بود که تاثیرش درگ و ریشه شنونده باختر می گردید.

واقعات بیشمار سلف صالحین به حضرت صاحب^ر را از بر بود و از آنها به مردم مثال می‌آورد و تلقین و هدایت می‌نمود چون مردم واقعات پرتائیر و فکر انگیز صالحان و عارفان از زبان مبارک حضرت میان صاحب می‌شنیدند گریان می‌شدند و خود حضرت میان صاحب نیز همراه مردم شنونده گریان می‌شدند.

حضرت میان شیرربانی قدس سره مردم را می‌فرمود: سیکهان (سیکان) را به بینید که بر تعلیمات گرو خود چقدر عمل می‌کنند نمی‌دانیم که ما مسلمانان چرا گروییده پیروی انگلیسیها شده‌ایم؟ ریش سیکهان (سیکان) را از مشاغل زندگانی و آموزش و کاروبار دنیا و استخدام دولت هرگز مانع نمی‌شود و بر ایشان هیچ کس اعتراض نیز نمی‌کند و آنان از هیچ کس نمی‌ترسند ولی ما مسلمانان خواه موهای سر نداشته باشیم، ریش مان را حتماً من تراشیم. آیا ما انگلیسیها را آگاه می‌سازیم که ما از دین اسلام تعلق خاصه نداریم؟

حضرت میان شیرربانی قدس سره اکثر و بیشتر از مردم می‌پرسید که چند سال انگلیس را خوانده‌اید؟ "پاسخ می‌گفتند که دو سال و سه سال و پنج سال وغیره. حضرت میان صاحب^ر می‌فرمود که معنی "بسم الله" را بگویید مرد مان زیاد جواب نمی‌دادند. این روزگار بود که آفتاب حکمرانی و اقبال انگلیسیها برهمه، جهان می‌تابید. حضرت میان صاحب کارمند تنظیم سیاسی و معاشرتی نبود و نه تعلق به تنظیمی داشت که علیه دولت انگلیس بود ولی بلاخوف علیه فرنگی و انگلیسیها حرف می‌زد و تهذیب آنان را مخالف اسلام می‌دانست. لذا مردم سحر و طلس خورده جاه و جلال دولت انگلیس را از قید و غلامی آنان آزاد می‌ساخت و مرد مان را حوصله می‌داد که سر را بلند کرده زنده بمانندو از غلامی دولت و تهذیب انگلیسیها رها بشوند و در غلامی سرور گائنتات و فخر موجودات حضرت محمد صلی

الله علیه وسلم در آیند که همین ذریعه نجات و فلاح دو جهان می باشد.

برخی مردم برای آزمودن پیش حضرت میان شیرربانی قلم سره می آمدند و چون صورت و سیرت ایشان را ملاحظه می کردند در عقیدتمندان حضرت صاحب شامل گشته برمی گشتند شب و روز حضرت میان صاحب مث کتابی روشن بود که مردم آنرا خوانده هدایت می یافتند هر که ساعتی یا وقتی زیاد در حضور ایشان می نشست، هر چند مخالف ایشان می بود، نمونه زندگانی ایشان را دیده در عقیدتمندان ایشان شامل گشته معترف در درجات بلند و عالی ایشان می شد.

احترام مردم: روزی یکی از مالداران ذکر خاک نشینی و عبادت گزاری حضرت میان شیرربانی قلم سره راشنیده در خانقاہ ایشان حاضر شد وقت طعام خوردن بود. حضرت میان صاحب از او پرسید: "هرماه شما کسی است؟" گفت: "آری، نوکرم در پائین نشسته است." - گویا حقارت برای نوکرش که داشت از روش گفتارش عیار بود. لذا حضرت میان صاحب این مالداری را به طرز عامیانه طعام داد و خودش پائین رفت.

حضرت میان صاحب پائین رفته نوکر آن شخص مالدار را با خود بالا آورد و پیش همه مردمان او را بطور خاص و باعزت و احترام نزد خویش نشانید و سپس او را در طعام خوردن با خود شریک نمود. چون از طعام خوردن فارغ گشت، فرمود: "چه ستم است که مردم متاع قلیل جهان (یعنی مال و دولت) را ذریعه عزت و حرمت خیال می کنند و این برای آخرت عذاب است، هر چه مال کم خواهد بود، حساب (محشر) آسان خواهد شد".

شفقت با مردگان: باری در شرقپور شریف وبا طاعون پیدا شد. شخصی از مرض طاعون هلاک گشت. مردم نزد میت اونمی رفتند. هیچ کس برای کفن و دفن این مرد آماده نمی شد. چون حضرت میان شیرربانی قلم سره ازین چیز آگاه گشت، میان محمد دین که یکی از عقیدتمندان حضرت صاحب

بود، او را همراه خود گرفته و در خانه آن شخص مرده تشریف برد و مرده را
بدست خود غسل داد میان محمد دین آب بربند مرده می ریخت و حضرت
صاحب او را می شست و عزیزان و رشته داران آن مرده دور ایستاده نظاره می
کردند

حضرت میان شیربانی قدس سره میت را غسل داده کفن پوشانید و بر
پیشانی مرده بوسه داد و با مردم خطاب فرمود: "الآن بیایید" - مردم پیش آمدند و
جنازه را بر برداشتند چون در گورستان رسیدند حضرت میان صاحب میت
را بدلست خود در گور گذاشت و دفن نمود سبحان الله

جذبه محبت عارفانه: چون انسان در محبت حق مستفرق می گردد، او
به همه کسان محبت می ورزد گفته صاحب خزینه معرفت: - چون حاجی
جلال الدین صاحب ذیلدار، مقیم موضع "جوزا" که مسلکاً اهل حدیث بود،
از حج بیت الله پس آمد و کیفیت های سفر ملینه منوره و در حین زیارت
روضه مقدسه نبی کریم صلی الله علیه وسلم که درک کرده بود، طوری
بیان نمود که کسی نسبت دار از کاملان نقل می نماید. بر این موقع حضرت
میان صاحب نیز در قصور تشریف آورده بود مؤلف خزینه معرفت می گوید
که بنده واقعه جلال الدین صاحب موصوف در خدمت حضرت میان صاحب
شرح دادم فرمود: "باید در موضع "جوزا" برویم! چنانچه صبح در موضع جوزا
رسیلیم و حضرت میان صاحب با حاجی جلال الدین صاحب ملاقات نمود و از
ایشان کیفیت های ملینه منوره شنید و در حین شنیدن حالات ملینه منوره بر
طبع عالی حضرت میان صاحب جذب طاری می گشت. شب در همین ده بسر
نمود حاجی صاحب موصوف بسیار تواضع و خاطر مدارات "حضرت میان
صاحب" کرد

حاجی صاحب موصوف گاو میشی داشت، شیری که صبح داد، آن را در
خدمت حضرت میان صاحب و همراهیان ایشان تقدیم نمود و شیری که شبی

داد، آنرا خمیر کرد و ماست ساخت، چون صبح دیگر زوجه محترمه حاجی صاحب موصوف این ماست را مالید، از آن همین قدر کره (مکهن) گرفت که قبلاً" از شیر دو وقت می گرفت. این حقیقت را در خدمت شوهر خود (حاجی صاحب موصوف) ذکر نمود. حاجی صاحب موصوف برای امتحان کردن کره (مکهن) را وزن نمود، واقعاً" همان قدر بود که قبلاً" می بود. صاحب خزینه معرفت می گوید که حاجی صاحب موصوف بعدها" نیز این تذکره پیش بنه بارها کرد و باری در شرقپور تشریف برد و احوال حضرت میان صاحب را دید و شادمان گشت و گفت "احوال که در اینجا دیده ام در جائی ندیده ام".

تأثیر نگاه مبارک: بگفته صوفی محمد ابراهیم قصوی صاحب، باری حضرت میان صاحب در فیروزپور تشریف برد در خانه ای که قیام فرمود، در آن یک حافظ قرآن که نابینا بود، در خدمت "حضرت میان صاحب" رسید، "حضرت میان صاحب" به این حافظ قرآن فرمود که رکوعی از قرآن مجید تلاوت کنید. حافظ صاحب موصوف یک رکوع قرآن کریم تلاوت کرد سپس این حافظ به صاحب خزینه معرفت گفت که: — "من زبان عربی را نمی فهمم، ولی رکوعی که در خدمت حضرت میان صاحب تلاوت نمودم، از برکت حضرت صاحب، معنی هر آیت را فهمیده ام.

محبت با پیر خانه خود: بعد از آن حضرت میان صاحب به "فیروزپور چهاونی" تشریف برد و در خانه حافظ عبدالله قیام کرد کسی گفت که اینجا حافظ قرآن نابینا من باشد که از ہمنشینان حضرت امام علی صاحب است. چون حضرت میان صاحب این شنید، در مسجدی که آن حافظ صاحب می بود، تشریف برد و یک ساعت آنجا اقامت فرمود سپس فرمود که "مرا حاضری نصیب گشت که گویا در خدمت حضرت اعلیٰ صاحب نشسته ام".

این نیز گویا محبت با پیرخانه خود بود که کسی که از همنشینان شیخ و مرشد ایشان بود، از صحبت او حظی می‌یافتد.

فنای اتم (فنای کامل) : باری در لاهور تشریف برد، در دست عصایی داشت. چون در "شاه عالمی" رسید، در جوش آمد و بر عصا فشار داده فرموده که این خانه ها کی فنامی شوند؟ سه بار به صنای بلند همین طور فرمود، صاحب خزینه معرفت می‌گوید که بنده را فکر دامنگیر شد که صاحب خانه ها پریشان گشته چیزی نگویند، شکر است که کسی چیزی نگفت.

فراست صادق : باری در قصور تشریف آورد، از بازار می‌رفتند، در جایی کوکان چند بازی می‌کردند. چون دید، فرمود: این کوکان که بازی می‌کنند، استعدادی در ایشان موجود است که ائم کوششی کرده شود ازین ها حفاظ قرآن کریم، اولیاً کرام و عالمان دین بیرون می‌آیند. افسوس که استعداد ایشان رائیگان می‌گردد.

سپس بزرگی را از تذكرة الاولیاء یاد فرمود و گفت: "این بزرگ چون کوکان را در بازی محومی دید، همین طور تاسف می‌خورد".

چون قصور تشریف می‌آورد، اکثر بوسیله ترین (ثرین) شب می‌آمد و عقیدتمندان را می‌فرمود که تردد نان تازه نکنند، درخانه های شما اکثر برای بچگان پاره ہای نان می‌باشد، ہرچه خواه نان نصف باشد، بیارید. فرمود: من چون به لاهور می‌روم، از بازار گلچه ای (نانی) می‌خرم، و همون برای همه روز برايم کافی می‌شود چون کم خورده قناعت کرده شود، وقت می‌گذرد.

باب چهارم

گشфт و کرامات

کشف و کرامات از اولیای کرام و صوفیان عظام همواره ظاهر می گردد و این علامت و خاصه بزرگی و کرامات ایشان می باشد از حضرت میان شیرربانی قلمص سره کشف و کرامات بیشمار ظهور یافت ما اینجا مشتمی از خرواری برای توصیل و نمونه نقل می کنیم

از ماری که در دلو بوده آگاه شد: شبی حضرت میان شیرربانی بر سقف مسجد در نماز نظر مشغول بود کسی آمد و خواست که از چاه مسجد آب بگیرد چون او دلو را در چاه انداخت، حضرت میان صاحب از سقف مسجد پائین تشریف آورد و از دور این کس را صدا داد که صبر کنید سپس فرمود که اول از درون مسجد چراغ روشن را بیارید، باز دلو را از چاه بیرون آرید.

شخصی دیگر نیز صدای حضرت میان صاحب را شنیده در مسجد وارد گشت و دویله چراغ روشن را از مسجد بیرون آورد حضرت میان صاحب فرمود: "اگنون دلو را بیرون آرید". چون دلو بیرون آورده و بر زمین گذاشتند، حضرت میان صاحب چراغ را نزد دلو کرد چون هر دو کس در نور چراغ در دلونگاه کردند، ترسیلند و پس کشیلند در دلو ماری بود که آنان دیده بودند. هر دو نفر این مار را کشتند و سپس از حضرت میان صاحب پرسیلند که حضرت شما بر سقف مسجد بودید، چه طور فهمیدید که در دلو ماری است؟ حضرت صاحب تبسم نموده فرمود: "اورا که من پرستیم همون مارا ازین چیزها آگاه من سازد".

کرامت دیگر: باری در مسجد خود که تازه تعمیر گشته بود، حضرت

میاں شیرربانی قدس سرہ تشریف فرما بود. به حاجی عبدالرحمن خطاب کرده پرسید که چیزی دیده اید؟ او اینور و آنور نگاه کرده گفت: "نه حضور- چیزی ندیده ام". فرمود: "الآن خواهی دید".

وقتی نگذشت که حاجی صاحب موصوف گفت: "حضرت صاحب الان دیدم" فرمود: "چه؟" گفت: "اینکه حضرت امام علی شاه صاحب رحمته اللہ علیہ تشریف آورده اند". سبحان اللہ

کرامت دیگر: روزی حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ فرمود که من به موضع "اثاری" می رفتم که در راه طوفانی آمد. باران و برف باریدن آغاز نمود. چون طوفان خیلی شدت اختیار کرد، درختان از زمین بیرون آمده می افتابند. خیال کردم که از خیابان جدا شوم. الهام شد که بر خیابان بروید لذا درباران و برف و طوفان برخیابان راه می رفتم حتی که به امن و سلامتی در ده "اثاری" رسیدم. مردم بر رسیدن من با امن و سلامتی حیران گشتند، زیرا که خیابان پر از درختان می بود که درین طوفان افتاده بودند. سبحان اللہ خداوند بندگان خویش را از هر بلا و مصیبت محفوظ و مامون می دارد.

نو مولودی خاموش گشت: روایتی است که در شرقپور شریف درخانه ای نومولودی بود که همواره گریدر می کرد. پدر و مادرش درمان این کردند ولی افاقه اش نشد. چون ناچار گشتند در حضور حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ آوردند.

نو مولود داشت می گریست، حضرت صاحب سوی او نگاه کرده فرمود: "اشکه ای اوئه سانوں تھے رون دا ول اج تک نهیں آیا توں تھے هر وقت رونا این". - یعنی "ای پسرک تو عجیب هستی که ما تاکنون طرز گریستن نیاموختیم و تومه وقت گریه می کنی". - بس همین فرمود که نومولود خاموش گشتد و قتیکه از روزی تولید داشت گریه می کرد.

احترام گشی: حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ سوال کسی را رد نمی

فرمود حاجتمندی ازین حال آگاه شد و برای کمک مالی نزد حضرت میان صاحب آمد و چون در شرقپور شریف وارد شد، خیال کرد که اگر خودم را پیش میان صاحب "سیلو" ظاهر خواهم کرد، حتی ایشان توجه زیاد برای کمک خواهد کرد.

"لذا چون در حضور حضرت میان شیرربانی قدس سره آمد، گفت که:

حضرت سید هستم و پیش شما آمده ام که کمک مالی من بفرمائید." -
حضرت میان صاحب کمک مالی او فرمود و حسب معمول ایشان برای خدا حافظی همراه این حاجت مند تشریف برد چون از شرقپور شریف بیرون شد، حضرت میان صاحب به او فرمود: " بشنو، همین جاست د، در دل شما خیال سید" شدن پیدا گردیده بود، لذا عزت و توقیر شما تا همین جاست، الان پس من گردم".

خیر است یا نیست؟: روایتی است که باری کسی از حضرت میان شیرربانی قدس سره احوال پرسی کرد و گفت: "میان صاحب خیر است؟"
حضرت میان شیرربانی قدس سره فرمود: "برادر جان، اگر اعمال نامه در دست راست داده شد، خیر است ورنه نه!!"

کسر نفسی و انکسار: معروف است که با وجود این رعب و جلال عالم کسر نفسی و انکسار حضرت میان صاحب این بود که مرکز نمی پستنید که کسی به کفشه مبارکش دست بزنند. اگر کسی در عالم نادانستگی پاپوش مبارک حضرت را برداشته پیش ایشان می گذاشت، حضرت صاحب می فرمود که این کفشه راشما ببرید، من لائق این نیستم که کسی پاپوشم را پیش من بگذارد اگرچه این کار برای بزرگان کردن روا است ولی من نه بزرگ "بستم و نه ولی لذا برای من این طور نکنند".

اگر حضرت میان شیرربانی قدس سره بر رختخواب نشسته می بود و کسی برای تعظیم پیش ایشان بر زمین می نشست، حضرت صاحب اورا بر

رختخواب نشستن مجبور می کرد و اگر آن کس از' به برابر حضرت صاحب
نشستن می ترسید' حضرت صاحب" همراه او بر زمین می نشست و آن کس
شرمنده گشته بر رختخواب می نشست.



سفردار بقا و جانشین

چون عمر مبارک حضرت میاں شیربانی شست و سه سال شد، ضعف پیری ظاهر گشت. باز هم نماز پنجگانه با جماعت ادا می فرمود. بعلت ضعف فقط خطبه جموعه می داد و امامت نماز جموعه می فرمود. هر روز در ضعف جسمانی اضافه می شد حتی که مریض گشت.

عزیزان و عقیدتمندان حضرت میاں صاحب ایشان را برای درمانش به سری نگر (کشمیر مقبوضه) برندند. بعد از چهار روز حضرت میاں صاحب فرمود که مرا خانه ببرید لذا حضرت میاں صاحب را از سری نگر برآ راولپنڈی در لامور آور دند و اینجاعلاج و معالجه جاری شد.

اگرچه در دوز های بیماری معمولات حضرت میاں صاحب متفرق گشته بود ولی در عبادت و یادالله هیچ کمی واقع نگردیده بود.

روزی از همین روز ها حضرت میاں شیربانی برادر خود حضرت میاں غلام اللہ قلس سره را صدا فرمود و آنوقت حضرت نورالحسن شاه و بابا عبدالله فیروزپوری در خدمت اقدس حضرت میاں شیربانی قلس سره موجود بودند، پیش ایشان حضرت میاں صاحب به برادر خرد خویش فرمود: مرد مانیکه بر خانقاہ و درگاه من می آیند، در خدمت ایشان کوتاهی نکنید و اقامت نماز جموعه خود شما کیند. بدانید که صراط مستقیم فقط در اتباع سنت نبوی (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) است.

سپس در خانه خود تشریف برد با همه عزیزان و افراد خانواده شفت و محبت ورزید وسلام گفت و خدا حافظی نمود و فرمود: "اکنون من خواهم که در "ذوہیران والا" (نام گورستانی) که در آن حضرت صاحب ملفوون

گشت) بروم!"

گویا این اظهار به اشاره غیبی بود که "من رفتنی ام بسوی خداوند بزرگ و بعد از من عقیدتمندان و مریدانم را حضرت غلام اللہ قدس سرہ در طی منازل عرفان و سلوک کمک و یاری و رینماشی خواهد کرد و وی جانشین و خلیفه مجاز من خواهد بود"

بالآخر روز دو شنبه ۲ ربیع الاول در سال ۱۳۲۷ ه بمعطابق ۲۰ - اوت ۱۹۴۸ م در حین تلاوت سوره اخلاص بعد از نماز عشاء، قریب یازده و نیم شب، به عمر مبارک شصت و پنج سالگی، این آفتاب روحانی از عالم فانی به عالم جاودانی رحلت فرمود و واصل بحق گشت. "اَنَّ اللَّهَ وَ اَنَاٰ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ".

خدا رحمت کند این عاشقان پاک طینت را

قطعه تاریخ رحلت حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ

چو مولانای قبله شرقپوری

ز دنیا شد روان با کام و آرام

"وصال شیر حق شیر محمد" (۱۳۲۷ ه) شله سال و صالح ای نکونام روز دیگر بوقت ساعت شش شام جنازه حضرت میاں شیر محمد شیرربانی قدس سرہ در گورستان "دوهران والا" رسید و حضرت صاحبزاده مظہر قیوم رحمتہ اللہ علیہ امامت نماز جنازه ایشان کرد و در حضور هزاران سو گوار و عقیدتمند، حضرت شیرربانی را در گورستان "دوهران والا" دفن کردند و مزار مقدس و بابرکت و پر انوار ایشان بین جا مرجع الغلائق است.

جانشین حضرت میاں شیرربانی شرقپوری^۱: حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ، برادر خرد ایشان حضرت میاں غلام اللہ قدس سرہ گشت که ملقب به "حضرت ثانی لاثانی" شد.

خدمات دین

فصل اول در تعمیر مساجد

حضرت میا شیر محمد شیربانی شرقپوری قدس سره برای اتباع سنت و فروع دین اسلام خدمات بیمثال و یگانه‌ای انجام دادو در تعمیر نمودن مساجد برای عقیدتمندانش نمونه قابل تقلید و پیروی باقی گذاشت و نه فقط مساجد نو تعمیر فرمود بلکه مساجد قدیم را از سر نو تعمیر و مرمت فرمود و بمقابل سنت انبیا علیهم الصلوٰۃ والسلام در کارهای تعمیراتی و مرمتی مساجد بنفس نفیس شرکت فرمود و مثل مزدوران کارمنی کرد و با این عمل مبارکش ذوق و شوق خاصه به عقیدتمندان و مریدان خود عطا کرده است که نظیر آن یافته نمی شود. مساجد یکه در روزگار حضرت میا شیربانی تعمیر گشت قرار زیر اند:-

(۱) در " محله بن پوره شرقپور شریف" مسجدی بودکه در روزگار حضرت میا صاحب^۱ از آن فقط نشانی بود و آن نیز غیر محفوظ بود. حضرت میا صاحب این مسجد را با خطوط قدیم از سر نو تعمیر فرمود و در نزد این خانه ای برای پیش امام نیز تعمیر ساخت و نزد آن چاهی کند و غسلخانه و طهارت خانه های نیز بنا فرمود.

بگفته صاحب خزینه معرفت: "حضرت میا صاحب قدس سره در تعمیر این مسجد خود سهیم بود و ستون های مسجد را با همکاری مردمان به کار می گذاشت. اینجا شجری را از زمین گندیدند و حضرت میا صاحب در چاله که از گندن این شجر پیدا شده بود، تشریف برد و خاک از آنجا برداشت و آنرا بوثید و فرمود که: "در این نیز بوی انگلیسی می آید"."

(۲) مسجدی دیگر در گورستان ڈوهران واله" تعمیر فرمود کے ازین قبرستان در جنوب مغرب شرقپور واقع است. این مسجد دارای دو اطاق و یک چاه و غسلخانه ها و حجره و برآمده می باشد. برای آباد کردن این مسجد درویشی را آنجا گذاشت که بگفته صاحب خزینه معرفت تاکنون آنجا موجود است و این درویش در راه مسجد گل و بوته کاشته است و خدمتی خوب خانه خدا می کند. در وقت تعمیر مسجد معلوم می شد که گویا نزد قبر مبارک خود این مسجد ساخته است و بعداً همین طور شد که پس از وفات همین جامدفون گشت. روز های که این مسجد را تعمیر می فرمود، عقیدتمندان و مریدان می گفتند که حضرت این جای ست غیر آباد و ویران و هیچ کس اینجا نمی آید، لذا اینقدر مسجد عالیشان تعمیر کردن چه فائده دارد فرمود: "هیچ چون مردی خداوند خواهد مرد، این مسجد آباد خواهد شد".

چون حضرت میان شیربانی قدس سره رحلت بحق فرمود و در همین گورستان نزد مسجد محو استراحت گشت از همون روز نماز پنجگانه در این مسجد شروع شد و تاکنون ارادتمندان حضرت میان صاحب شب و روز درین مسجد در عبادت و ریاضت مشغول باشند.

(۳) مسجدی دیگر در محله شیربانی در شرقپور تعمیر نمود که در طرز خاص و عمله تعمیر شده بود.

(۴) مسجدی دیگر در پیرخانه خود (در قریه کوٹله شریف) تعمیر کرده بود این مسجد دارای سه اطاق و ایوانی وسیع می باشد.

(۵) مسجدی نیز در چاه خود تعمیر فرموده بود.

(۶) مسجدی دیگر در کوچه "نهال پورہ" که جانب راست شرقپور شریف می باشد، ساخته بود و این مسجدی کوچک همراه تاچاهی

(۷) مسجدی سنت در میانه شهر شرقپور شریف که در روزگار حضرت

میان شیربانی قدس سره همین بزرگترین مسجد بود درین مسجد حضرت مولانا غلام رسول رحمته الله عليه که جد بزرگوار حضرت میان صاحب بود، امامت می کرد. چون در عهد حضرت میان صاحب مردم از راه های دور و دراز در شرقپور شریف می آمدند لذا روز جمعه این مسجد برای مردم تنگ می شد. حضرت میان صاحب عزم وسیع نمودن این مسجد کرد و خانه های چند که نزد این مسجد بود را در (۱۳۲۰ھ) شامل مسجد فرمود و صحن و مسجد را کشاده نمود و برخی حجره و اطاقهای تازه نیز تعمیر فرمود که تاکنون در همین صورت موجود اند و در آن روزگار مبلغ (۲۵) هزار روپیه بر تعمیر حجره و غسلخانه و جای وضو و طهارت خانه های تازه و اضافی مصرف شد.

(۸) علاوه ازین درمکان شریف روضه مبارک حضرت امام علی صاحب رحمته الله عليه را مرمت نمود باری درمکان شریف تشریف آورد و دید که قبه روضه مبارک حضرت امام علی صاحب در زلزله آسیب دیده است، برای مرمت این قبه عزم فرمود و حافظ محمد عبدالله صاحب مقیم چهاوی فیروزپور و کرم الدین نجار صاحب، مقیم شرقپور شریف و فتح محمد خان مقیم گورو هرسهای و نفری دیگر را برای مرمت این روضه مبارک فرستاد و تقریباً هزار و سه صد روپیه برای این مرمت مصرف شد.

(۹) نشستگاهی درمکان شریف ساختند که آن دو اطاق و ایوان خوب داشت. و نشستگاهی دیگر ساختن می خواستند که تکمیل آن نشد. مساجدی که حضرت میان شیربانی قدس سره در روزگار خود تعمیر فرمود، در آن ها هیچ سامان و لوازم تعمیراتی ساخته نداشت انگلیسی ها و یا در کارخانه انگلیسی ها را هرگز استعمال نکرد و اگر کسی این طور چیزی را می آورد حضرت صاحب ناراحت می گشت و آن را قبول نمی فرمود و ازین معلوم می شود که مقام تقوی حضرت میان صاحب چقدر بلنابود؟ حضرت میان شیربانی سلسه تعمیر مساجد را که شروع فرموده بود،

تاکنون جاری و ساری سست و آن صورت تحریکی اختیار نموده است. مریدان و عقیدتمندان حضرت میان صاحب همواره برای سهم گرفتن در این کار خیر مشتاق و بیتاب می باشند. بعد از وصال مبارک حضرت میان صاحب خلیفه مجاز ایشان حضرت ثانی لاثانی میان غلام اللہ قدس سرہ نیز در تعمیر مساجد سهم می گرفت و سجاده نشین فعلی آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد شرقپوری مدخله العالی این روش عالی مرشدان بلند مرتبه خودرا تاکنون زنده و تابنده دارد و مساجد تعمیر می فرماید و فریضه تبلیغ و نشر اسلام انجام می دهد. مساجدیکه در شهر های گونا گون پاکستان به نام نامی حضرت میان شیر محمد شیرربانی قدس سرہ منسوب شده تعمیر گشته است و شب و روز برای احیا و نشر اسلام و شریعت مطهره در آنها کلمه حق بلند می گردد، قرار زیر است:

- ۱- جامع مسجد شیرربانی، محله شیرربانی، شرقپور شریف.
- ۲- جامع مسجد مدینه شیرربانی، عقب سول ہسپیتال، شرقپور شریف.
- ۳- جامع مسجد شیرربانی، اکبر روڈ، وسن پورہ، لاہور.
- ۴- جامع مسجد شیرربانی، سنگھ پورہ، نزد باغبانپورہ، لاہور.
- ۵- جامع مسجد قادریه شیرربانی، ۲۱- ایکڑ سکیم، نیو مزنگ، سمن آباد، لاہور.
- ۶- جامع مسجد شیرربانی، سانده کلان، لاہور.
- ۷- جامع مسجد غوثیه شیرربانی، چونگی امر سدهو، لاہور.
- ۸- جامع مسجد شیرربانی، شاهدره ناؤن، لاہور.
- ۹- جامع مسجد شیرربانی، گیدڑی نزد کھڑیانوالہ، ضلع فیصل آباد.
- ۱۰- جامع مسجد شیرربانی، محله منیر آباد، گلزار کالونی، فیصل آباد.
- ۱۱- جامع مسجد شیرربانی، سلطان ناؤن، فیصل آباد.
- ۱۲- جامع مسجد شیرربانی، چک نمبر ۲۲۰، ضلع وہاڑی.

- ۱۳ - جامع مسجد شیربانی، فیصل آباد
- ۱۴ - جامع مسجد شیربانی، نزد چونگی نمبر ۹ خانیوال روڈ، ملتان۔
- ۱۵ - جامع مسجد شیربانی، گورہ کوڑا، تھصین ٹانک، ضلع ٹیرہ اسماعیل خان۔
- ۱۶ - جامع مسجد شیربانی، پھالیہ، ضلع گجرات۔
- ۱۷ - جامع مسجد شیربانی، چک نزد لیاقت پور، ضلع رحیم یار خان۔
- ۱۸ - جامع مسجد شیربانی، چک، تھصین یزمان، نزد اڈہ تیرہ هزاری۔
- ۱۹ - جامع مسجد شیربانی، گیائیں گجران، ضلع کوئٹہ، آزاد کشمیر۔
- ۲۰ - جامع مسجد شیربانی، سیکھر ایف، اسلام آباد
- ۲۱ - جامع مسجد شیربانی، الامین پلازہ، صدر، راولپنڈی۔
- ۲۲ - جامع مسجد شیربانی، عقب گورا قبرستان، نزد ملٹری بسپتال (سن ایم ایچ)، راولپنڈی۔
- ۲۳ - جامع مسجد شیربانی، قلعہ سوجان سنگھ، نزد خانقاہ ڈوگران، ضلع شیخوپورہ۔
- ۲۴ - جامع مسجد شیربانی، جہبڑ، ضلع شیخوپورہ
- ۲۵ - جامع مسجد شیربانی، محلہ رسول پور، شیخوپورہ۔
- ۲۶ - جامع مسجد شیربانی، اڈہ شیر پاک، صادق آباد
- ۲۷ - جامع مسجد شیربانی، سمندری، ضلع فیصل آباد

فصل دوھ: در نشر و اشاعت دین و معارف اسلامی بصورت کتب

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ عارف کامل بود که بازبان و گفتار مبارک خود دل مردم را مسخرمی نمود علاوه از خطابت جمعته المبارک که در مسجد خود می فرمود، همواره در سفر و حضر تبلیغ و ارشاد به طالبان حق می فرمود علاوه ازین کتب نادره معارف اسلامی و سلسله عالیه نقشبندیه مجلدیه وغیره چاپ و نشر می کرد و میان ارادتمندان و طالبان حق و مردم خواننده مجانی تقسیم می فرمود از آنها چند تا قرار زیر اند:-

۱- مرآۃ المحققین : ملفوظات حاجی الحرمین الشریفین :
 تالیف حضرت ابوالبرکات امام علی شاه نقشبندی مکان شریفی (م ۱۲۸۲ھ)
 بزیان فارسی در احوال و تعلیمات و گفتار حضرت سید شاه حسین نقشبندی (م ۱۲۲۲ھ) که مرشد حضرت امام علی شاه نقشبندی رحمته تلمه علیه بود
 بخواهش حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ مولوی غلام رسول نقشبندی این کتاب را بزیان اردو ترجمه کرد و حضرت میاں صاحب این را طبع فرمود
 سرورق این کتاب (دو صفحه در آغاز) بدست خود خطاطی فرمود و این نمونه عالی خوشنویسی حضرت میاں صاحب می باشد در آغاز این کتاب نظمی از مترجم می بود که از ترتیب حروف های آغاز هر بیت نامی گرامی حضرت میاں صاحب: "مولوی شیر محمد" بر می آید. این کتاب در دو حصه می باشد. حصه اول- حالات حضرت شاه حسین المعروف "بهورے والا" و در حصه دوم "کلمات متبرکه" زیر عنوان "مرآۃ المحققین" درج است. از جانب مطبع کریمی لاہور بااهتمام میر امیر بخش چاپ گردیده است.

۲- "منهاج السلوک" ترجمه اردو "ذخیرة الملوك": "ذخیرة

الملوک" بزبان فارسی نگارش "امیر کبیر سید علی همدانی" می باشد "مولوی غلام قادر" از مردم "کوت بهوانی" که از متولیین "حضرت الله بخش تونسوی رحمته الله عليه" بود، بعیشیت مدرس در شرقپور شریف آمد و ارادت و عقیدت خاصه به حضرت میان صاحب قلس سره العزیز پیدا کرد او این کتاب را بفرمائش حضرت میان صاحب بزبان اردو ترجمه نمود و این در سال (۱۳۳۲ھ) چاپ گردید این کتاب دارای (۳۱۲) صفحات بود و در آغاز این مترجم دو منظومه شامل گردکه اگر نخستین حرف هربیت بیرون آورده شود، از آن "مولوی شیر محمد شرقپوری" جمع می شود مترجم این کارکرده زیرا که حضرت میران صاحب قلس سره نهی پستندید که اسم ایشان در کتاب مذکور گردد

بگفته محمد امین شرقپوری صاحب "تذکره اولیای نقشبند" این کتاب را مولوی غلام رسول نقشبندی رحمته الله عليه بفرمان حضرت میان صاحب قلس سره العزیز بزبان اردو ترجمه گرد و در ضخامت قریب (۲۲۵) صفحات طبع گردید و در آغازش دو نظم از مترجم است که از ترتیب حرف آغاز هربیتی نام گرامی حضرت میان شیرربانی بر می آید

۳ - "مجالس المحسینین" ترجمه اردو "حكایات الصالحین":
کتاب اصل بزبان عربی بود و ترجمه اردوی آن مشتمل بر ۹۰۰ صفحات است که حضرت میان شیرربانی قلس سره العزیز آن را طبع فرمود و خوشنویسی این کتاب "سید نورالحسن شاه صاحب" گرده بود

۴ - "ربع مع مطالب": تالیف "حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره" (مرشد پاک حضرت میان صاحب) این را نیز حضرت میان صاحب طبع فرمود

۵ - "چشمہ فیض معرفت": رساله ای سنت مختصر بزبان پنجابی از حضرت خواجہ بابا امیر الدین نقشبندی که در مناقب مرشد خود "حضرت

خواجہ امام علی شاه قدمس سره" سروده است.

۶ - تفسیر مرادیه: فقط حصہ آخرین این همراه "ربع مطالب" طبع شده بود و درین علاوه از "تفسیر قرآن" ارشادات حضرت میان شیرربانی قدس سره نیز درج است.

علاوه ازین حضرت میان شیرربانی قدس سره کتاب های تفسیر و حدیث و فقه و اوراد و وظایف وغیره می خرید و میان طالبان حق و اراد تمندان خویش مجانی تقسیم می فرمود و این عمل خاصه اولیاً کرام سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه می باشد که ایشان همواره بوسیله تعریر و تقریر یعنی در هر دو میدان خدمات عالیه دین اسلام انجام می دهند این کار از خواجہ بزرگ ما حضرت خواجہ بهاء الدین نقشبند قدس سره شروع شد و تاکنون در همه عالم در خانقاہ های این سلسله پاک جاری و ساری است.

در شرقپور شریف شمع علم دین و عرفان و تصوف که از دست مبارک حضرت شیرربانی قدس سره روشن گردیده بود آن را خلفاء باصفا و باکمال ایشان همواره سر بلند می کرده اند.

سجاده نشین آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد شرقپوری، مدظله العالی در نشر و اشاعت و چاپ کتاب عزم عالی و بلند دارد ایشان همواره کتب عرفانی و معارف اسلامی چاپ و نشر می کنند و در طالبان حق و اراد تمندان سلسله نقشبندیه و تشنگان علم و دانش مجانی تقسیم می فرمایند تاکنون کتابهای زیر از "مکتبه نور اسلام" شرقپور شریف (که بنیاد آن حضرت میان جمیل احمد صاحب مدظله العالی گذاشته است) چاپ و نشر گردیده است:

۱ - خزینه معرفت (اردو): تصنیف صوفی محمد ابراهیم نقشبندی. در احوال و آثار و فرمودات حضرت میان شیرربانی قدس سره چند بار چاپ شده است.

- ۱ - حضرت مجدد اور ان کے ناقدین اردو : تصنیف حضرت مولانا ابوالحسن زید فاروقی رحمته اللہ علیہ در احوال و مقامات حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرمندی قدس سرہ و رد ناقدین ایشان، بار اول در هند چاپ شدہ بود۔
- ۲ - المختیارات من المکتوبات (عربی) : مرتبہ حسین حلمی البیشیق بن سعید استانبولی۔ بار اول در استانبول از سوی مکتبہ اشیق چاپ گردیده بود۔
- ۳ - سرهنگ شریف : (تلخیص از کتابچہ المختیارات من المکتوبات)
- ۴ - تتمہ معراج النبوة (فارسی) : حضرت ملا معین الدین واعظ کاشفی هروی۔
- ۵ - دی نقشبندیز (بزبان انگلیسی) : مرتبہ سردار علی احمد خان۔
- ۶ - مرآۃ المحققین (اردو) : تالیف قطب عالم حضرت سید امام علی شاہ نقشبندی مکان شریفی رحمته اللہ علیہ، مترجم اردو : مولوی غلام رسول۔
- ۷ - نعمتیہ قصیدہ : حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمته اللہ علیہ۔
- ۸ - تائید اهل سنت : (متن و ترجمہ اردوی رسالہ رد روافض تصنیف حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرمندی قدس سرہ) مترجم و مصحح (متن فارسی) : دکتر غلام مصطفی خان نقشبندی سندی۔ مدظلہ۔
- ۹ - مختصر حالات حضرت شیرربانی و حضرت ثانی لاثانی میاں غلام اللہ شرقپوری (اردو) : تصنیف حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری۔ مدظلہ العالی۔
- ۱۰ - فضائل حضرت عائشہ صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا (اردو) : از مولانا منصب علی شرقپوری۔
- ۱۱ - منیته المصلى :
- ۱۲ - نظام مصطفیٰ اور ہماری زندگی : نظام مصطفیٰ و زندگانی ما'

بزیان اردو)۔

۱۳ - ماهنامہ نوراسلام (اردو) : مجلہ ماہیانہ کے بیادگار حضرت ثانی لاثانی شہباز مکانی میاں غلام اللہ شرقپوری قدس سرہ سجادہ نشین شیربانی میاں شیر محمد شرقپوری قدس سرہ از سی و هشت سال از آستان عالیہ شرقپور شریف جاری است و مدیر این حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی است۔

۱۴ - ماهنامہ نوراسلام شرقپور شریف کا شیربانی (اردو) نمبر : مرتبہ حضرت صاحب میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شماره مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مقامات حضرت شیربانی قدس سرہ)

۱۵ - ماهنامہ نور اسلام کا امام اعظم نمبر (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شماره مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مناقب حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمتہ اللہ علیہ)

۱۶ - ماهنامہ نوراسلام کا اولیائی نقشبند نمبر ا (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شماره مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و آثار و مناقب اولیائی نقشبند)

۱۷ - ماهنامہ نوراسلام کا مجدد الف ثانی (اردو) نمبر : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شماره مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مناقب حضرت مجدد الف ثانی قدس سرہ)۔

۱۸ - فضائل حضرت سیدنا صدیق اکبر رضی اللہ تعالیٰ عنہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی۔

۱۹ - مختصر حالات امام ربانی مجدد الف ثانی رحمتہ اللہ علیہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی۔

۲۰ - ارشادات مجلد (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد

شرقپور مدظلہ العالی۔

- ۲۲ - مسلک مجده (اردو - پشتو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۳ - مقالات یوم مجده (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۴ - الجنۃ الشوقيہ الی الحضرة المجددیہ : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۵ - ملنی تاجدار کا تحفہ نماز (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۶ - مناسک حج (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۷ - صدائیح حق (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۸ - تنویر حرم (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۹ - آسان (اردو - عربی گرائمر) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۳۰ - لمحہ فکریہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۳۱ - شجرہ شریف (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۳۲ - تذکرہ احوال و مقامات زبدۃ الاولیا شیرربانی حضرت شیر محمد شرقپوری قدس سرہ (فارسی: تالیف محمد ننیر رانجھا۔

باب هفتم

ایات دلگذار که حضرت شیرربانی

قدس سرہ می خواند

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ شاعر نبود ولی در عالم وجود بزرگان
مبارک ایشان ایاتی جاری می شد که هر حرفی از آنها در عشق سرور کائنات
فرغ موجودات خاتم النبیین حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم لبریزمی بوده است. حضرت میاں صاحب راخیلی ایات عرفانی و نعمت
رسول مقبول علیہ الصلوٰۃ والسلام از دیوان های سخنوران عارف زبان فارسی و
اردو و پنجابی از بربود که وقت ارشاد و تبلیغ و موقع گونا گون می خوانند.
ما برای نمونه مشتری از خروواری اینجا نقل می کنیم:-

همه انبیا در پناه تواند
مقیم در بارگاه تواند
تو مهر منیری همه اختر اند

تو سلطان ملکی همه چاکر اند

✿

خدایا بده شوق ذات رسول
بدرد محمد مرا کن قبول
شب و روز در عشق حضرت بدار
همه عمر در وصل احمد گنار
چو بلبل برآن گل فدایم کنی
چو پروانه جلوه نمایم کنی

حیاتی مهاتی مه و قت ما

عطای کن وصال محمد مرا

♦ ♦ ♦

حمد محمودی که در جمله صور

شد بانوار محمد جلوه گر

زانکه از نورش محمد شد عیان

گشت از نور محمد دو جهان

♦ ♦ ♦

حسن یوسف دم عیسیٰ یلبیضاً داری

آنچه خوبان مه دارند تو تنها داری

دل و جانم فدایت یا محمد

سر من خاکپایت یا محمد

♦ ♦ ♦

عرش است کمین پایه ز ایوان محمد

جبرئیل امین خادم دربان محمد

آن ذات خداوندی که مخفی و نهان بود

پیدا و نهان گشته بچشمان محمد

♦ ♦ ♦

منم خاک سرکوی محمد

اسیر حلقه موی محمد

نمای عشق هردم من گزارم

به پیش قبله روی محمد

سجود عشق بازان است هردم

بمحراب دو ابروی محمد

اکر چشم بهر روی است مائی
 بود روی دلم سوی محمد
 جهان در خیال لیله القدر
 حسن دربند گیسوی محمد
 صد کتاب و صد ورق در نارکن
 جان و دل را جانب دلدار کن

ملفوظات گرامی

حضرت میان شیربانی قدس سره در محبت الهی و عشق مصطفی جلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کاملاً مستفرق بود کلماتی که از زبان مبارک ایشان جاری می شد، آنها همواره آئینه دار جنبات و احساسات ایشان می بود حرفی از زبان مبارک بیرون نمی آورد که بر آن خودشان عمل نمی فرمود هر چه بدیگران می فرمود، خودشان برآن کاملاً عمل می کرد ما ینجا برای تبرک از ملفوظات گرامی ایشان چند تانقل می کنیم:-

فرمود :- دنیا مثل دریاست و آخرت گفاره آن و تقوی کشتنی آن باشد و بدون تقوی این دریا را عبور کردن معال است خوبی اسلام این است که مسلمان حرفهای "لا یعنی" (بی فائده) را ترک کند. همه خلقت دارای سه صفات

باشد:

- ۱ - فرشتگان عقل دارند مگر خواهش و غضب ندارند.
- ۲ - حیوان خواهش و غضب دارند ولی از عقل عاری اند.
- ۳ - انسان خواهش و غضب و عقل هر سه دارد اگر انسان خواهش و غضب را تابع عقل کند، درجه بلند از فرشتگان می یابد. ولی چون عقل را تابع خواهش و غضب می کند، از حیوان بدتر می شود. انسان طلبگار لذت حیوانی و خواهش نفسانی باشد ولی بقدر احتیاج مثل نمک در طعام و تاوقتیکه شما کارهای بهتر نکنید، زندگی را بهتر خیال نکنید.

فرمود : -

بليغت آن باشد که فکر آخرت نداشته باشد
و مبتلای لذتهاي دنيا می باشد دولتی راجمع کنيد که
همراه شما (در آخرت) بروند زيرا که مال و متاع دنيا با بدن
در دنيا خواهد ماند (يعني فنا خواهد گردد). چون مرده
رابيبينيد' مرگ خود را ياد کنيد (يعني فکر آخرت
کنيد) و شريز آن است که شرکند و مفلسان را اذيت
دهد و هر که از طعام سير می شود او همواره گرسنه می
ماند.

فرمود : -

هر که بامال تونگر شود' او همیشه درويش
باشد و هر که از مردم حاجت می طلبد' او معروف می ماند
و هر که در کار خود از خداوند ياري نمی خواهد او
خوارمی گردد

فرمود : -

کسی که در جوانی قدر و عظمت فرمان
خداوند نمی داند' خداوند در پيری اش' اورا خوارمی سازد و
کسی که فقط روزی را باصدق دل در خدمت (خداوند)
صرف می کند' برکت آن روز به همه خلق می رسد
بس چه حال کسی خواهد بود که همه عمر در خدمت
(خداوند) می گزارد

فرمود : -

شش نفر بسبب شش چيز درجهنم خواهند
رسید:

- ۱ - مردمان عرب بسبب تعصّب و عداوت-
- ۲ - مالداران ده به علت تکبر.-
- ۳ - تاجر بسبب فریب کاری-
- ۴ - مردم عامه به علت جهل و نادانی-

۵ - حاکم به وجه ظلم و ستم

۶ - عالم به وجه حسد، زیرا که حسد نیکی هارا می سوزاند و همچو کس مددگار حاسد نمی باشد

فرمود : -
باید که پاکی ظاهر، موافق پاکی باطن باشد
یعنی چون دست را شوید، دل را از حب دنیا نیز پاک کند
و چون استنجا کندو از نجاست ظاهری پاک نگردد،
همون وقت از دوستی غیر نجات یابد.

فرمود : -
حمقت این است که اعتقاد دارد و عمل نکند
و کفر پنهان این باشد که خیال کند که این سخن
اینطور نیست بلکه بر چیزی دیگر خواهد بود

فرمود : -
حضرت علی مرتضی اسد اللہ الفالب مطلوب
کل مطالب مظہر العجائب و الغرائب کرم اللہ وجهه
چنان سخنان حکمت آموز بیان فرمود که تا آنجا فهم
کسی رسائی نیافته است

فرمود : -
کسی که در حرفش نرمی باشد، در قلبش
ماده محبت حتماً خواهد بود و کسی که قدر نفس
خود را فهمیده است او هرگز ملاک نگردد

فرمود : -
از هر که خواهی طلب کن ولی یقین این
داشته باش که تو در قید او (خداآوند) هستی، تو هر کرا
خواهی داد، امیر و حاکم او خواهی شد، تو از هر که
خواهی استفنا و بی نیازی کن، انجام کار مثل او خواهی
شد.

فرمود : -
هر کس که بنیاد ایمانش بر این چهار اصول
باشد، ایمانش معکم و قوی شود و او مسلمان خالص شده

مقرب خاص بارگاه صمدانی و درگاه یزدانی می شود. این
چهار اصول قرار زیر است:-

(۱) تصدیق دل

(۲) اقرار زبان

(۳) عمل بدن

(۴) مطابقت سنت

کس که از این چهار اصول محروم باشد، او کافر است و کس که با زبان اقرار کند و بادل تصدیق نکند، او منافق است و حال منافق از کافر بدتر باشد. کس که بادل تصدیق کند و با زبان نیز اقرار کند مگر عمل نکند او فاسق است و فاسق براندازه قصورش در دوزخ خواهد رفت، کم از کم ساعتی و تا حد زیاد هفتاد سال. کس که بادل تصدیق کند و با زبان اقرار کند و عمل نیز کند مگر در مطابقت سنت تفافل کند او بدعتی است و بدعتیان سکهای جهنم خواهند بود.

فرمود :- در حديث شریف آمده است که مسلمانان بعد از اجتناب کردن از کفر، باید چشم و گوش و شکم و شرمگاه و دست و پا و دل و زبان را از گناههای صفیره و کبیره باز دارند.

فرمود :- خصلتی بد را ترک نمودن از عبادت صد ساله افضل تر باشد.

فرمود :- اگر در ما سه خصلت باشد، خداوند مارا در حساب و کتاب آسانی خواهد داد و در جنت داخل خواهد کرد و آن چهار خصلت به قرار زیر است:-

(۱) کسی که شمارا نمهد، شما او را بدهید و او را محروم نگذارید.

(۲) کسی که برشما ظلم کند، شما او را درگزند و

معاف کنید.

(۳) عزیزی و رشته داری که باشما قطع تعلق کند، شما با

او ملاقات داشته باشید و قطع تعلق با او نکنید.

فرمود : - ارشاد حضور نبی کریم صلی اللہ علیہ وآلہ

وسلم است که بزوی روزگاری خواهد آمد که فقط از

اسلام و قرآن نام باقی خواهد ماند و مساجد را مسلمانان آباد

خواهند کرد مگر در حقیقت اینها از هدایت خالی

خواهند بود و عالمان آن روزگار شریر ترین افراد روی زمین

خواهند بود و آغاز فتنه و فساد از سوی ایشان خواهد شد و

اختتام این بر ایشان خواهد شد.

فرمود : - در حدیث حضور صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

آمده است که بزوی روزگاری خواهد آمد که مردم در

دامهای شکم گرفتار خواهند شد. بزرگی ایشان در دنیا از

لعاذه دولت خواهد بود و قبله ایشان زنان خواهند بود و

مطلوب ایشان سیم و زر خواهد بود و این کسان در بندگان

خداوند از همه بزرگ ترین (خيال کرده) خواهند بود، در

حالیکه نزد خداوند وقعتی نخواهند داشت و این

روزگاری خواهد بود که مردم دین را تمام خواهند کرد و

اجرای بدعتها خواهند کرد. کسی که در این وقت بر

سنت من عمل خواهد کرد، او بیچاره تنها خواهد ماند و

کسی که پیروی بدعت خواهد کرد، مصاحبتش از

پنجاه شصت زیاد تر خواهد داشت. صحابه کرام رضوان

الله علیهم اجمعین عرض نمودند: "یار رسول الله صلی اللہ

علیه وآلہ وسلم، آیا بعد از مأکمی از ما افضل تر خواهد بود". حضور صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: "بلی" صحابه کرام التماس کرند که یار رسول اللہ این مرد مان چطور زندگی خواهند کرد آنحضرت فرمود: طوری که نمک در آب حل می شود، اینطور دلهای الیشان حل خواهند شد و زندگانی الیشان طوری خواهد بود که جامه های سرکه در سرکه بسرمی برند". سپس صحابه کرام عرض نمودند: "یار رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آن مرد مان حفاظت دین چطور خواهند کرد؟". آنحضرت فرمود: "طوری که شما حفاظت آتشدان می کنید که اگر بگنارید، آن سرد می شود و اگر آن را دست زنید، بسو زاند".

فرمود: - حضرت ابن عمر رضی اللہ عنہما فرمود که اگر شما نماز خواننده مثل کمان خمدار شوید و روزه دارنده مانند تیر لاغر شوید، خداوند عملهای شمارا قبول نخواهد کرد تا از حرام باز نه مانید.

فرمود: - نیز حضرت ابن عباس رضی اللہ تعالیٰ عنہم فرمود که خداوند نماز او هر گز قبول نمی کنند که در شکمش حرام باشد.

فرمود: - نیز حضرت سهل تستری فرمود که بنیه در عمق ایمان نمی رسد تا وقتی که چهار خود را پیانا نشود:-

(۱) اداییگی فرضها (با سن)

(۲) خوردن حلال (با پرهیز)

(۳) ظاهر و باطن را از منکرات محفوظ داشتن

(۲) بر این امور تا مرگ قائم بودند.

فرمود : -

آمده است که هر که چهل روز مال مشبه
بخورد، دلش سیاه می گردد و بگفته حضرت عبدالله بن
مبارک رحمتہ اللہ کے درمی مشبه را باز گردانیدن نزد
من از یک تا شصت میلیون درم خیرات کردن بهتر است،
فرمود که چون کسی از مال مشبه لقمه ای بخورد، ازین
قلبیش اینقدر مثل چرم خراب می شود که بحال اصلی
هرگز برنمی گردد

واردات قلبی

پاره‌ای از واردات قلبی حضرت شیرربانی میان شیر محمد شرقپوری قلس سره را ملاحظه بفرمائید:-

باری فرمودکه چون راه می روم از پائین تا بالا در بد نم حرکتی پیدا می گردد که همه بد نم را مثل دل می بینم و از هر موی بد نم اسم ذات الهی ظاهر می شود

باری فرمودکه چون در کود کی در قصور می آمدم در بازار و کوچه های این برکتی می دیدم و اکنون که اینجا می آیم تا ران نحوست می بینم ولی سه کس از این نحوست محفوظ اند: یکی عبدالحق شاه صاحب ساکن کوٹ مردان و دومی حافظ دولت خان ساکن نواح کوٹ و نامی دیگر آورد روزی فرمودکه ما برای قضای حاجت در بیابان رفتیم و بعد از فراغت چون نگاه کردیم بسبب عترت نوعی از حال بر ما طاری گشت.

باری فرمود که من در "مسجد شاهی لاہور" رفتم آنجا طوری دیدم که خانه کعبه پیش من آمده است و من طواف آن می کنم روزی حجام موهای (سر) حضرت میان شیرربانی قلس سره را می تراشید حضرت صاحب فرمودکه چون حجام استره را بر بد نم می زد' اینطور معلوم می گشت که بر دلم استره می زند.

حضرت نورالحسن شاه نقشبندی رحمته اللہ علیہ (که از خلفای عظام حضرت میان شیرربانی قلس سره است) می فرمودکه باری حضرت شیزربانی قلس سره ارشاد فرمودکه از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم چهار کس را طریقه ای که عنایت گشته است' بکسی دیگر نصیب نگردیده

است و آن چهار نفر این اند:-

- (۱) نخستین حضرت اویس قرنی رضی اللہ تعالیٰ عنہ
- (۲) دوم حضرت خواجه بایزید بسطامی رحمتہ اللہ علیہ
- (۳) سوم حضرت خواجه ابوالحسن خرقانی رحمتہ اللہ علیہ
- (۴) چهارم برنام چهارم خاموش گشت، زیرا کہ حضرت صاحب
 (حضرت شیرربانی قدس سرہ) ستایش خود شنیدن نمی پستنید لذا اسم خود را
 اینجا برزبان مبارک نہ آورد

باب دهم

خلفاء عظام

حضرت میان شیر بانی قدس سرہ مدتو زیاد ترویج و پیشرفت سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه در آستانه عالیه شرقپور شریف فرمود و هزاران طالب حق را تلقین و ارشاد کرده از فیوض و برکات این سلسله پاک مستفید فرمود. حضرات کرام زیر را در سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه خرقه خلافت عطا فرموده و بعد از ایشان خدمات عالی برای دین اسلام و سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه انجام دادند:-

- ۱- **حضرت ثانی لاثانی شهباز لامکانی میان غلام اللہ شرقپوری**
: حضرت میان شیر بانی قدس سرہ ایشان را در آخر زندگانی مبارک خود جانشین خویش منتخب فرمود و ایشان از سال وصال حضرت میان شیر بانی قدس سرہ (۱۳۲۷ھ) تا سال (۱۳۷۷ھ) (سال وصال خود) بر مسند سجادگی و ارشاد آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور جلوه افروز بوده است.
- ۲- **مخزن کرم حضرت سید محمد اسماعیل شاه رحمته اللہ علیہ**
ساکن موضع کرمون والا تعصیل فیروزپور ضلع شیخوپورم
- ۳- **پیکر نور حضرت سید نورالحسن شاه رحمته اللہ علیہ**
ساکن موضع کیلیانوالہ
- ۴- **فضل اجل حضرت صاحبزاده حافظ محمد عمر رحمته اللہ علیہ**
ساکن بیریل شریف، ضلع سرگودها.
- ۵- **مظہر انوار حضرت صاحبزاده مظہر قیوم رحمته اللہ علیہ**
ساکن مکان شریف، نزد گورDas پور (ہند)
- ۶- **اب رحمت حضرت میان رحمت علی رحمته اللہ علیہ**

ساکن موضع گهنه والا شریف نزد کامنه کاچها
 ۷ - الحاج حافظ حضرت سید محمد ابراهیم شاه بخاری رحمته
 اللہ علیہ: ساکن موضع سهول شریف نزد ریلوی استیشن کالا خطائی

تمت بالغیر

فقیر محمد نذیر رانجھا

غفر ذنب و ستر عیوب

|| ذی الحجه ۱۴۱۲ھ بمعابق ۲۲ - ۱۹۹۳ ميلادى

هاده

۱ - تذکره اولیای نقشبند المعرفه: سیرت پاک شیربانی عاشق
یزدانی مجدد عصر، قطب زمانه حضرت میان شیر محمد صاحب شرقپوری،
مؤلف محمد امین شرقپوری، ناشر: عبدالوحید خان، ذوالحجہ ۱۴۰۸ھ / ژوئیه

- م ۱۹۸۸

۲ - تذکره حضرت سید میر جان کابلی نقشبندی مجلدی^۱: از
شادروان میان اخلاق احمد، ناشر: میان احمد بدر اخلاق، لاہور، م ۱۹۸۸

۳ - خزینه معرفت: از صوفی محمد ابراهیم قصوری نقشبندی مجلدی^۲
ناشر: فیصل آباد، بزم جمیل غلامان شیربانی، م ۱۹۸۸

۴ - شجره طیبه مع معمولات نقشبندیه: مرتبه حضرت صاحبزاده
میان جمیل احمد شرقپوری مدظلہ، ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام

۵ - مختصر حالات حضرت شیربانی و حضرت ثانی لاثانی
میان غلام اللہ شرقپوری^۳: مرتبه حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد
شرقپوری مدظلہ، ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام

۶ - منبع انوار در شرقپور شریف: مختصر حالات و واقعات حضرت
میان شیر محمد شرقپور رحمته اللہ علیہ: مرتبه: حضرت صاحبزاده میان

جلیل احمد شرقپور، ناشر: فیصل آباد، بزم جمیل، م ۱۹۸۸

۷ - نوراسلام، شیربانی نمبر: مدیر اعلیٰ حضرت صاحبزاده میان جمیل
احمد شرقپوری مدظلہ، ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام



شیرربانی نامہ

سروده: دکتر محمد حسین تشنگی (رها)

۲۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ھ مطابق ۲۹ نومبر ۱۹۹۳ء

در وصف حضرت مولانا شیرربانی شرقپوری رحمۃ اللہ علیہ درگاہ او
شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

زبدہ	الاولیا	ربانی	پند واندر ز او نوای دل
گوهر	درج	عشق	ضوفشان است شیر ربانی
نور	اسلام	آستانہ	او
روشنی	بخش	عالی	و دانی
شرقپور	از وجہ	او روشن	شد به شیر محمد او معروف
حافظا	ایه	هائی	شیر احمد مجدد ثانی
آبادان	شریف	شرقپور	آبادان
روحانی	امام	از وجود	از
جاذب	قلب	وجان	هر مومن
چشمہ	آب	پاک	فیضانی
هر	کے خواهد طریقت اسلام		
نور	اسلام	و نور	رحمانی
عارفانہ	کلام	او بر خوان	
تا	شود	جان تو گلستانی	

از جمیل احمد آمد این دفتر	بنگر	معنوی	زیبای	لفظ
رهمنا بهر هر مسلمانی				
صادق القول	شیخ	نورانی		
شد جمیل احمد جانشین پدر				
ربانی بارگاه	بانی			
صاحب ذوق و فکر والدخود				
نظم و نثر و کلام عرفانی				
ترجمه کرده دفتر عرفان				
این محمد نذیر انسانی				
رانجها شد ملقب و اکنون				
خوش چین جهان روحانی				
شاهنشاهی لقب بود چون گل				
بابیان و کلام ایمانی				
فارسی شد زبان به هر م Huff				
در وفا عهد خوب پیمانی				
هرچه خواهی بجو ازین دفتر				
حال و احوال شیر ربانی				
نور اسلام اگر بود از شرق				
شرقپور است چرا به پنهانی				
دیله ام بارگاه و درگه او				
مرزرع و سبزه بهارانی				
میزان بود آن جمیل احمد				
کرده جان مرابه مهمانی				
در کتب خانه اش بود موجود				
گنج عرفان و گنج سلطانی				

مر که خوامد طریق حق جوید
 شد جمیل احمد بعر جوشانی
 آمد ثانی لاثانی جانشین
 او غلام الله خدا دانی
 شو روانه به شرقپور شریف
 بشنو الفاظ شاه لاثانی
 آن حکم محمد موسی
 شد حکیم دل و جهانبانی
 رهنمای همه جوانان شد
 دعاخوانی ببین مطبیش
 من اسیر کلام موسی ۱۴
 حافظش باد خدای ربانی
 این رها راه حق همی جوید
 ربانی اولیا زبدة



أمد
لأن



